

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فصلنامه علمی

دوره هفتم – شماره هفدهم

بهار ۱۴۰۳

فصلنامه آراء دادگستری اصفهان

فصلنامه علمی

شماره شایا: ۱۸۴۱-۲۷۱۷ ISSN

دوره هفتم / شماره هفدهم / بهار ۱۴۰۳

شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۹۳/۱۷۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱

صاحب امتیاز: دادگستری کل استان اصفهان

مدیر مسئول: محمد شفیع زاده، معاون قضایی رییس کل و معاون منابع انسانی و امور فرهنگی

دادگستری کل استان اصفهان

سر دبیر: محمد شفیع زاده، معاون منابع انسانی و امور فرهنگی دادگستری کل استان اصفهان

مدیر اجرایی: مهدی اسدی

ویراستار فنی: راضیه عرب

طرح جلد: امیرحسین چوپانی

شمارگان: ۱۰۰ نسخه چاپی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ جنگل

تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۳

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا): سیامک بهارلویی، حسن پوربافرانی، مسعود

حیدری، مسعود راعی، محمد شفیع زاده، ابراهیم شریفی گرم دره

نشانی: اصفهان- خیابان چهارباغ بالا- چهارراه نظر- ستاد مرکزی دادگستری کل استان اصفهان-

معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی- طبقه چهارم- اتاق ۴۰۲- واحد پژوهشی

صندوق پستی: ۷۵۹۶۷-۸۱۷۳۶

تلفن: ۰۳۱-۳۶۲۲۶۷۳۹

فکس: ۰۳۱-۳۶۲۴۰۵۲۵

<https://ara.adlesfahan.ir>

faslnameh.ara@gmail.com

وب سایت:

پست الکترونیکی:

مسئولیت مطالب و مقالات مندرج در این فصلنامه بر عهده نویسندگان آنها است.

گسترش علوم بشری در سایه ی نوشتن معلومات و اندوخته های علمی است. قلم، حافظ علوم و دانش ما، پاسدار افکار اندیشمندان، حلقه اتصال فکری علما و سرچشمه هدایت و آگاهی بشر است. از این رو حضرت محمد (ص) می فرماید: دانش را با نوشتن نگه دارید و در بند آورید و بیج صدقه ای که مردم دهند از علمی که منتشر شود بهتر نیست.

بیان مفاهیم حقوقی ساینه توجیهی دقیق و موثکافه است و مجلات حقوقی نقش مهمی در فرآیند ثبت، نشر و ارتقای پژوهش ها و نیز ایجاد یک بستر مناسب برای توسعه ارتباط میان پژوهشگران عرصه حقوق داشته اند. لذا فصلنامه آراه عنوان یک فصلنامه تخصصی وابسته به دادگستری کل استان اصفهان در تلاش است با چاپ مقالات گامی مؤثر در جهت کمک به ارتقای دانش حقوقی علاقه مندان به رشته حقوق بردارد. در همین راستا از کلیه فعالان و علاقه مندان کرامی حوزه علم حقوق دعوت می نمایم تا با ارسال آثار و مقالات وزین خود در ارتقای سطح کیفی و کمی مجله ماریاری نمایند. هدف این مجله انعکاس دستاوردهای علمی فریبختگان و پژوهشگران سراسر کشور در زمینه های مختلف علم حقوق می باشد.

محمد شفیع زاده

معاون قضائی رئیس کل و معاون منابع انسانی و امور فرسنگی دادگستری کل استان اصفهان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
آرای برگزیده جشنواره آراء برتر قضائی سال ۱۴۰۳ دادگستری استان اصفهان	۷
آرای برگزیده دادگاه های خانواده	۸
آرای برگزیده دادگاه های حقوقی	۱۹
آرای برگزیده دادرای عمومی و انقلاب	۳۸
آرای برتر دادگاه های کیفری	۵۴

آرای برگزیده جشنواره آراء برتر قضائی
سال ۱۴۰۳ دادگستری استان اصفهان

آرای برگزیده دادگاه های خانواده

۱- «رأی صادره از شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر»

تجدیدنظرخواه: آقای ج.م. فرزند ح. با وکالت خانم ز.م. فرزند ح. به نشانی ...
 تجدیدنظرخوانده: خانم س.ب. فرزند ی. با وکالت آقای ح.الف. فرزند ک. به نشانی استان ...
 تجدیدنظرخواسته: طلاق به درخواست زوجه - تجدیدنظرخواهی نسبت به دادنامه شماره ... تاریخ
 ۱۴۰۲/۰۷/۲۵ صادره از شعبه ۱۳ دادگاه خانواده دادگستری شهرستان اصفهان
 گردشکار: دادگاه با بررسی محتویات پرونده و انجام مشاوره ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل
 مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی دادگاه

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ج.م. فرزند ح. با وکالت خانم ز.م. به طرفیت خانم س.ب. فرزند ی. با وکالت آقای ح.الف. نسبت به دادنامه شماره ۹۲۱۷۱۷۵-۱۴۰۲/۰۷/۲۵ شعبه ۱۳ دادگاه خانواده شهرستان اصفهان متضمن حکم به احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق به لحاظ تحقق بند ۶ از بندهای ۱۲ گانه شق ب شروط ضمن عقد نکاح، با ملاحظه فتوایی مصدق سند رسمی پیوست دادخواست به شماره ترتیب ۱۵۵۲۷-۱۳۹۰/۰۲/۰۹ دفتر رسمی ثبت ازدواج شماره ۱۴۹ حوزه ثبت اصفهان که حکایت از وجود علقه زوجیت دائم بین طرفین دارد و ضمن عقد نکاح زوج به زوجه وکالت باحق توکیل غیر داده که در موارد مشروحه در بند ب شرط ضمن عقد نکاح با رجوع به دادگاه و اخذ مجوز پس از انتخاب نوع طلاق خود را مطلقه نماید و در صورت بذل از طرف او قبول بذل نماید و بند ۶ از موارد مذکور که به امضای زوجین رسیده عبارت است از «محکومیت شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس ... و حکم مجازات در حال اجرا باشد» و زوج طی استعلام وضعیت قضایی، به اتهام معاونت در اخلال در نظام اقتصادی کشور به پنج سال حبس با تاریخ شروع محکومیت ۱۴۰۱/۰۵/۲۲ محکوم گردیده است نظر به مراتب فوق و اینکه مساعی دادگاه و داوران جهت سازش زوجین موثر واقع نشده لذا مستند به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن رد تجدیدنظرخواهی دادنامه تجدیدنظرخواسته در قسمت اعتراض شده تأیید می شود بدیهی است زوجه می تواند پس از قطعیت این رأی در صورت بقاء بر تصمیم خود با مراجعه به یکی از دفاتر رسمی ثبت طلاق و بر اساس وکالت مأخوذه از ناحیه زوج به وکالت از وی با حق توکیل غیر و با توجه به بذل دو سکه بهار آزادی از مهریه و قبول مابذل از طرف زوج، خود را به

طلاق بائن (خلع) مطلقه نماید رعایت صحت شرایط شرعی و قانونی اجرای صیغه طلاق به عهده مجری آن است ارائه گواهی پزشک ذیصلاح در مورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است عده زوجه پس از طلاق سه طهر است مدت اعتبار حکم طلاق شش ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام‌خواهی است این رأی ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل فرجام‌خواهی در دیوانعالی کشور است.

شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر

رئیس دادگاه: مرتضی تسلط

مستشاران دادگاه: عبدالمجید رشیدی - محمدحسین توکلی

۲- «رأی صادره از شعبه ۱۳ دادگاه خانواده اصفهان»

خواهان‌ها:

۱- خانم ن.غ. فرزند الف. با وکالت آقای م.ک. فرزند ق. به نشانی استان ... - دفتر وکالت م.ک.

۲- آقای ع.ک. فرزند ف. با وکالت آقای الف.ص. فرزند الف. به نشانی استان ...

خواندگان:

۱- آقای ع.ک. فرزند ف. با وکالت آقای الف.ص. فرزند الف. به نشانی استان ...

۲- خانم ن.غ. فرزند الف. به نشانی استان اصفهان ...

خواسته‌ها:

۱- طلاق به درخواست زوجه

۲- حضانت

گردشکار

در این پرونده خانم ن.غ. که وکالت وی را آقای م.ک. بر عهده دارد به طرفیت آقای ع.ک. که وکالت وی را آقای الف.ص. عهده‌دار است دعوی طلاق به درخواست زوجه: تقاضای صدور حکم طلاق به درخواست زوجه از باب عسر و جرح مطرح نموده است. در ادامه آقای ع.ک. با وکالت آقای الف.ص. به طرفیت خانم ن.غ. دعوی: تقاضای صدور حکم حضانت فرزند مشترک به نام الف.ک. متولد ۱۳۹۵/۱۲/۰۵ و مطلق خسارات دادرسی اعم از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل مطرح نموده است. خواسته در دادخواست زوجه چنین آمده است: «... خوانده محترم همسر موکل می‌باشد. از تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۲۵ زندگی مشترک را شروع کرده‌اند و حاصل این زندگی مشترک یک پسر بچه‌ی ۵ و نیم ساله که مدت ۶ سال است خوانده صرفاً یک رأی تمکین اخذ کرده است و هیچ اقدامی برای شروع زندگی نکرده است و حتی موکل طی اظهارنامه‌ای آمادگی خود را برای تمکین اعلام کرده است و چندین پرونده فی مابین طرفین مفتوح است و باین اوصاف و گذشت شش سال و قرار گرفتن موکل در یک بلا تکلیفی مطلق و تلف شدن عمر و جوانی موکل تقاضا مندم موضوع بررسی و دلائل عسر و جرح موکل بررسی گردد و حکم به طلاق از باب عسر و جرح مطرح گردد ...». دفاع و اظهارات طرفین در جلسه دادرسی این گونه می‌باشد: «... زوجه حضور ندارد وکیل وی

و زوجه و وکیل وی حاضرند با اعلام رسمیت جلسه وکیل خواهان اظهار می‌دارد صراحتاً بر اساس عسر و حرج درخواست رسیدگی داریم. موکل ۷ سال است با رأی تمکین مواجه است که زوج از اجرای آن استنکاف می‌ورزد بالغ بر شش اظهارنامه آمادگی زوجه برای تمکین به زوج ارسال کرده. دادخواست تهیه مسکن مطرح شد که به دلیل مشکلات بارداری پیگیری نشد زوج هیچ اقدامی جهت تهیه مسکن ننموده حتی پدر زوج طی اظهارنامه‌ای اخراج زوجه را از منزل تقاضا کرد حتی تقاضای اجرت‌المثل ایامی که عروسش در آن سکونت داشت نمود زوجه به ناچار بدون دریافت هیچ نفقه‌ای در این ۷ سال علیرغم اعلام آمادگی جهت تمکین در منزل پدر خود سکونت گزیده و در سال گذشته با کمک پدر منزلی در اصفهان جهت سهولت در رفت و آمد به دانشگاه تهیه نموده و این معلق ماندن زوج که نه محل شرعی و عقلی دارد زندگی را برای زوجه به شدت مشقت‌بار و غیرقابل تحمل نموده این نمایانگر بی‌مسئولیتی و بی‌علاقگی زوج به زوجه می‌باشد زوج موکل را در دوران بارداری رها کرده حتی تا ۸ ماهگی فرزند مشترک جنسیت وی را نمی‌دانست. در آیه ۱۲۹ سوره نساء معلق نگه داشتن زن نهی شده است. شکاک و بدبینی که در این خصوص ارجاع امر به پزشکی قانونی مورد استدعاست بیش از ۱۰ شکایت و دادخواست علیه موکل مطرح شد که موکل را با مشقت روبرو کرده است شکایت ترک انفاق در شعبه ۴ فولادشهر در حال رسیدگی است؛ لذا ضمن تقاضای استماع شهادت شهود و اینکه دفاع تکمیلی به شرح لایحه ارائه خواهد شد و بذل یک سکه به لحاظ کراهت حاصل خواسته صدور حکم طلاق مورد استدعاست فرزند مشترک شش ساله نزد زوجه است جهاز توسط زوجه مسترد شده است به دلیلی که ناچاراً مجبور به تخلیه منزل گردید در ادامه وکیل زوج دفاع می‌کند: دفاع من به شرح لایحه تقدیمی است موکل با طلاق مخالف است در ضمن مسئله شکاک به عنوان یک اختلال روانی صحت نداشته در خصوص طرح دعاوی متعدد نیز استعلام کاملاً مثبت آن است که زوجه محترم تا کنون داوی متعدد مطرح نموده است. تمام نفقه را نیز موکل به محض مطالبه نقداً پرداخت نموده از زمان درخواست استرداد جهیزیه به سبب اقدام پدر زوج کذب است خواهان محترم در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۵ درخواست استرداد جهیزیه مطرح کرده و گزارش اصلاحی بر استرداد در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۱ تنظیم و پس از آن پدر همسر صرفاً مطالبه اجرت‌المثل نموده است». اظهارات گواهان زوجه چنین در پرونده آمده است: «..... اینجانب پدر زوجه اظهار می‌دارم: علت اختلاف شکاک بودن بسیار زیاد زوج عصبی بودند که گاهی تیک عصبی می‌گرفتند. بارها شده بود درب منزل می‌رفتم سر به آنان سر بزنم مشاجره آنان که با خانم

فحاشی و تهمت می‌زد می‌شنیدم. به تفریح می‌رفتیم بعد با هم مشاجره می‌نمودند ایشان به زوجه می‌گفتند چرا با آشنایان مرد سلام می‌کنید. سه نفر جهت صلح و سازش فرستادم به آن‌ها زوج گفت بدون هیچ مبلغ بیاید تفاهمی طلاق بگیریم من دیگر قادر به زندگی نیستم. ۶-۷ سال تمکین گرفته‌اند و به دخترم در پاسگاه گفت آن‌قدر نگاه می‌دارم تا موهای سرت مثل دندان‌هایت شود و بیایی تفاهمی جدا شویم این عین اظهارات من است- شاهد زح.- من مادر زوجه هستم زوج شکاک و بددل بودن. اهل همه تهمت بود. دخترم را به همه می‌بست تو با م. هستی و ر. کتک می‌زد تا جایی که دستش شکست حتی می‌گفت فکر کنم این بچه از من نباشد. در جمع‌های خانوادگی مرتب دخترم را اذیت می‌کرد همیشه درب منزل را روی دخترم می‌بست و کلید را با خود می‌برد در واقع دخترم زندانی بود. سه روز زایمان کرده بود به دخترم گفت تو زن ناپاکی هستی این‌قدر شکاک بود که به محارم هم شک داشت حتی قرار بود دخترم استخدام سپاه شود اجازه نداد و گفت و هیچ آدم عاقلی برای یک لیوان شیر پول خرج نمی‌کنه یک گاو بگیرد. در ادامه وکیل زوج می‌گوید عین سؤالات را که گفتم از شاهد دارم در ضمن اعلام کند پس از زایمان زوج بچه را دیده است؟ گواه می‌گوید در بیمارستان زوج بچه را دید و دیگر رفت. در ضمن دخترم رفت منزل مشترک ولی آن‌ها پذیرای دخترم نبودند. یادم نیست تاریخ آن را ولی دو سال پیش رفت دخترم خود زوج اسنپ گرفت برش گردانید شوهر من و خودم بستری بیمارستان نشدم پدر شوهرش گفت بیا وسایت را ببر ملک من را اشغال کردید و در سپاه جلسه گرفته شد نتیجه نداد. زوج و پدر شوهرش قبول نکردند زوج گفته بود زنم را نمی‌خواهم انتخاب مادرم است پدر شوهرش هم گفته بود ما این عروس را نمی‌خواهیم. برای ملاقات بچه را می‌برد مرتب ولی پدرش قبول دار نبود البته شش ماه که اصلاً سراغ بچه را نمی‌گرفت. در ادامه وکیل زوجه اظهار می‌دارند اظهارات گواهان خیلی بیشتر است پدر زوجه بگوید آیا زوج نسبت به شما هم ظنین بود نسبت به دخترش؟ گواه می‌گوید بله می‌رفتم منزل دخترم به دخترم می‌گفت بوی مرد اینجا می‌آید کی اینجا آمده شکاک بود. در ادامه گواه می‌گوید اصلاً زوج مسئولیت‌پذیر هم نبود حتی نسبت به فرزندش. تمام کارها منزل را به دوش ما می‌گذاشت در ادامه وکیل زوج دفاع می‌کند شهود معارض داریم درخواست استماع اظهارات گواهان معارض داریم؛ در ادامه نظر داور زوجه به جدایی و نظر داور زوج به استمرار زندگی مشترک اعلام شده است. قاضی محترم مشاور به مفارقت و جدایی اعلام نظر نموده‌اند. با این

توصیف با بررسی اوراق و محتویات پرونده ضمن اعلام ختم دادرسی به شرح ذیل مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید:

رأی دادگاه

در خصوص دعوی خانم ن.غ. که وکالت وی را آقای م.ک. بر عهده دارد به طرفیت آقای ع.ک. که وکالت وی را آقای الف.ص. عهده‌دار است دایر بر دعوی طلاق به درخواست زوجه در ادامه دعوی آقای ع.ک. با وکالت آقای الف.ص. به طرفیت خانم ن.غ. دایر بر دعوی: تقاضای صدور حکم حضانت فرزند مشترک به نام الف.ک. متولد ۱۳۹۵/۱۲/۰۵ و مطلق خسارات دادرسی اعم از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده ملاحظه دفاع و اظهارات طرفین؛ در ابتدا پیرامون ایراد مطرح بر صلاحیت محلی دادگاه مطرح از ناحیه وکیل زوج، با این قید که این ایراد بعد از جلسه اول دادرسی مطرح شده است نظر به اینکه حسب اجاره‌نامه ارایه توسط زوجه؛ در زمان تقدیم دادخواست ایشان در شهر اصفهان سکونت داشته است و اینکه در آن زمان زوجین در حوزه قضایی فولادشهر یا لنجان دادخواست مقدم در محاکم خانواده مطرح ننموده و با لحاظ قرار دادن ملاک سکونت زوجه در زمان تقدیم دادخواست و به شرح استخراج یافته و منعکس در ثنای ایشان این ایراد را وارد ندانسته در راستای ماده ۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی به رد ایراد مطرح به صلاحیت محلی دادگاه اعلام نظر می‌نماید. در ادامه نظر به اینکه زوجین به دلیل ایجاد اختلاف و شدت دامنه اختلاف در زندگی زناشویی از سال ۱۳۹۶ تا کنون به مدت بیش از هفت سال جدا از همدیگر زندگی می‌نمایند؛ در این راستا هر چند به موجب دادنامه شماره ۱۰۵۹/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۲۹ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی زرین شهر زوجه به تمکین از زوج محکوم شده است لکن به دلیل عدم درخواست صدور اجرائیه از ناحیه زوج تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ از نظر این دادگاه فراهم بودن مقدمات تمکین از باب منزل و اثاث منزل مواجه با تردید می‌باشد با این قید که ترتیب اثر دادن به حکم تمکین لازمه آن از نظر این دادگاه صدور اجرائیه و تعقیب عملیات اجرایی می‌باشد. در این راستا درخواست صدور اجرائیه و صدور اجرائیه به تاریخ بیش از هفت سال از محکومیت زوج به تمکین آن هم متعاقب طرح دعوی طلاق از ناحیه زوجه به تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۰۱ از نظر دادگاه مؤثر در مقام نبوده؛ در این راستا عدم پیگیری و تقاضای صدور اجرائیه به نوعی حاکی از عدم تمایل زوج به اثربخشی حکم تمکین می‌بوده؛ به عبارت دیگر نمی‌تواند دلایل توجیهی زوجه را مبنی بر بلا تکلیفی در طول ۷ سال گذشته متأثر سازد که خود همگی ادعای زوجه

را مبنی بر مشقت در ادامه زندگی مشترک متکی به ادله نموده؛ این در حالی است که جدایی جسمانی و روحی زوجین در طولانی‌ترین دوران زندگی مشترک؛ که خود در این مدت به دلیل اختلافات زوجین و متفاوت بودن نگرش و طرحواره ایشان از تشکیل زندگی مشترک؛ ادامه زندگی مشترک را که لازمه آن هم فکری زوجین در تداوم آن است با تردید مواجه ساخته؛ ادامه وضعیت حاکم بر زندگی مشترک از نظر دادگاه پیش آگهی خوبی برای زوجین نخواهد داشت به ویژه آنکه زوج شخصاً در جلسات دادرسی حاضر نشده تلاشی جهت انصراف نمودن زوجه از جدایی از خود به عمل نیاورده است. با این توصیف و با این یادآوری که برای تحقق عسر و حرج هم جنبه نوعی ملاک است و هم شخصی؛ با عنایت به نظر قاضی محترم مشاور و اینکه مساعی دادگاه و داوران جهت سازش زوجین مؤثر واقع نشده؛ در نتیجه از نظر دادگاه عسر و حرج خواهان در تداوم زندگی مشترک محرز تشخیص داده شده؛ با لحاظ قاعده فقهی لاجرح نیز مستند به قسمت اخیر ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و تبصره ماده ۱۱۳۳ همان قانون و ۲۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱؛ دادگاه حکم به الزام خوانده به حضور در یکی از دفاتر رسمی ثبت طلاق و مطلقه نمودن خواهان صادر و اعلام می‌نماید نوع طلاق در حکم باین قضایی است در این رهگذر در صورت امتناع زوج سر دفتر نمایندگی در اجرای صیغه طلاق از ناحیه دادگاه دارند و اما در خصوص امور مالی و جهاز: زوجه به لحاظ کراهت صرفاً یک عدد سکه تمام بهار آزادی از مهریه خویش را به زوج بذل نموده است جهاز مسترد شده است. پیرامون باقی مانده مهریه و سایر حقوق مالی با منشأ نکاح زوجه در این پرونده ادعا مطرح ننموده دادگاه در حال حاضر در مقام اظهارنظر مواجه با تکلیف نمی‌باشد. حضانت و نگهداری تنها فرزند مشترک الف. متولد ۱۳۹۵/۱۲/۰۵ که سن ایشان در حال حاضر بیش از ۷ سال شمسی بوده و نزد مادر می‌باشد؛ به زوجه واگذار می‌گردد. جهت جلوگیری از صدور آراء متهاافت (پی در پی) پیرامون ملاقات فرزند مشترک دادنامه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۴ صادره از شعبه ۴ بخش فولاد شهر صفحه ۱۱۵ پرونده و پیرامون نفقه فرزند مشترک دادنامه شماره ... مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۳۱ صادر از شعبه ۳ شورای حل اختلاف فولادشهر ملاک عمل خواهد بود. زوجه مدخوله است بدیهی است رعایت شرایط صحت شرعی و قانونی اجرای صیغه طلاق به عهده مجری آن است ارائه گواهی پزشک ذیصلاح در مورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است مدت اعتبار حکم طلاق شش ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام‌خواهی است و اما پیرامون دعوی زوج به طرفیت زوجه دایر بر حضانت فرزند مشترک؛ دادگاه مصلحت و غبطه طفل را در

حال حاضر با بودن نزد مادر تشخیص داده با در نظر گرفتن نظریه پزشکی قانونی که توصیه نموده در صورتی که تصمیم مرجع قضایی بر اعطای حضانت به پدر است این امر به تدریج و زیر نظر روانپزشک اطفال انجام شود تا از استرس و اضطراب در کودک پیشگیری بعمل آید در نتیجه دادگاه در حال حاضر مستند به ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی و ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده حکم به بطلان دعوی زوج دایر بر حضانت صادر و اعلام می‌نماید. متذکر می‌گردد نظر به اینکه مدت زمان بیشتری از زمان را فرزند مشترک نزد مادر بود حسب گزارش اورژانس اجتماعی فولادشهر تمایل خود را به حضور نزد مادر اعلام نموده است مقرر می‌دارد والدین جهت بهبود سلامت روان شناختی کودک و ایجاد یک رابطه سالم و ارتقای مهارت فرزندپروری به مراکز تخصصی مشاوره مراجعه نمود پس از ارائه نتیجه این مراجعات این حق برای زوج متصور است که مجدداً با طرح دعوی حضانت استیفای حقوق احتمالی نماید. خواهان به عنوان مادر طفل در مقام اعمال حق حضانت و نگهداری وفق ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده و ماده ۶۶ آیین‌نامه اجرای آن موظف می‌باشد. دوره‌های آموزشی پیرامون نحوه حضانت و فرزندپروری را تحت نظارت کلینیک مددکاری ... (واقع در خیابان ...) بگذراند. ناظر موصوف موظف می‌باشد هر سه ماه یک بار بر اساس چک لیست معین شده گزارش از نحوه سلامت و صحت حضانت و نگهداری فرزند تکمیل به دبیرخانه واحد مشاوره خانواده دادگستری اصفهان جهت پیگیری موضوع انعکاس نمایند. نظارت به حسن اجرای این قید اخیر با قاضی محترم اجرای احکام می‌باشد عدم همکاری زوجه پیرامون همکاری با مرکز مشاوره تخصصی در مقام ارتقای مهارت فرزندپروری نیز با ناظر بر حضانت صراحتاً اعلام می‌گردد در تصمیم بعدی دادگاه مؤثر خواهد بود. رأی دادگاه حضوری محسوب است، ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان اصفهان و سپس ظرف مهلت بیست روز از تاریخ انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی قابل فرجام خواهی در دیوانعالی کشور است.

رئیس شعبه ۱۳ محاکم خانواده اصفهان - محسن نوروزی

۳- «رأی صادره از شعبه ۴ دادگاه عمومی فولادشهر»

خواهان: آقای ع.الف. فرزند ح. با وکالت آقای م.الف. فرزند الف. به نشانی ...

خوانده: خانم ف.ح. فرزند ع. با وکالت خانم س.ز. فرزند م. به نشانی ...

خواسته: الزام به تمکین

به تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۰۹ در وقت فوق‌العاده جلسه شعبه چهارم دادگاه عمومی بخش فولادشهر به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل و پرونده کلاسه پیوست تحت نظر است. دادگاه ضمن اعلام کفالت ادله و ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی دادگاه

در خصوص دعوی آقای ع.الف. فرزند ح. با وکالت آقای م.الف. به طرفیت خانم ف.ح. فرزند ع. با وکالت خانم س.ز. به خواسته الزام به تمکین عام و خاص زوجه، با این توضیح که خواهان اظهار داشته است: خانم ف.ح. (خوانده) همسر قانونی و دائمی اینجانب می‌باشد و از تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۸ بدون عذر موجه زندگی مشترک را ترک نموده و با توجه به مراجعات مکرر و ارسال اظهارنامه که فتوکپی مصدق آن به پیوست تقدیم حضور است، مشارالیه حاضر به تمکین و بازگشت به منزل مشترک نشده لذا تقاضای رسیدگی به دعوی فوق را دارد، دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده از جمله: ۱- اقرار خواهان در جلسه رسیدگی مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ مبنی بر اینکه مکرراً زوجه را در طول مدت ۲ ماه زندگی مشترک مورد ضرب و جرح قرار می‌داده است. ۲- متن پیامک‌های ارسالی از سوی خواهان به خوانده (ضمیمه شده به پرونده) که دلالت بر ضرب و جرح زوجه توسط زوج دارد. ۳- حکم محکومیت خواهان (زوج) دایر بر ضرب و جرح عمدی خوانده (زوجه) صادره از دادگاه عمومی شهرستان بندر جاسک به شماره ۲۷۷۰۶/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۲. ۴- گواهی پزشکی قانونی به شماره ۷۳۸۳۲/ ۱۴۰۰ که نشان‌دهنده مورد ضرب و جرح قرار گرفتن تقریباً کل بدن زوجه توسط زوج دارد. ۵- لایحه دفاعیه وکیل خوانده به شماره ۱۴۰۰/۲۲۷۴۹، دعوی خواهان را به علت اینکه زندگی مشترک خوف ضرر جسمانی برای زوجه ایجاد می‌نماید با وصف مذکور وارد ندانسته و مستنداً به ماده ۱۱۵ قانون مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام

می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان اصفهان می‌باشد.

دادرس شعبه ۴ دادگاه عمومی فولادشهر - مهدی میدانچی

آرای برگزیده دادگاه های حقوقی

۱- «رأی صادره از شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی مبارکه»

خواهان: آقای ح.ب. فرزند الف. با وکالت خانم ف.ت. فرزند ح.

خوانده: خانم ح.ه. فرزند ن. با وکالت آقای الف.ر. فرزند ح.

خواسته: مطالبه وجه بابت...

رأی دادگاه

در خصوص دعوی آقای ح.ب. با وکالت خانم ف.ت. به طرفیت خانم ح.ه. با وکالت آقای الف.ر. به خواسته مطالبه ثمن فروش یک دستگاه آپارتمان پلاک فرعی ... از اصلی ... حوزه ثبتی ... (بخش ۱۶) و علی الحساب به مبلغ ۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰ با جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری به انضمام مطالبه‌ی خسارت دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه با این توضیح که وکیل خواهان مدعی گردیده که موکل وی قصد فروش منزل خود و مهاجرت به کشور ترکیه را داشته و بنا بوده موکل وی ابتدائاً چند ماهی به ترکیه رفته و مقدمات تهیه مسکن و مهاجرت خانواده را فراهم نماید لذا وکالت بلاعزل تحت شماره ... مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۹ دفتر اسناد رسمی ... زرین شهر به همسر خود (خوانده) اعطا می‌نماید و در وکالت نیز شرط ایصال ثمن به موکل درج و تصریح می‌گردد تا همسرش در غیاب موکل ثمن حاصل از فروش را برای وی در ترکیه حواله نمایند و از آنجایی که خوانده موضوع وکالت را به خود منتقل نموده و از تکلیف مقرر در سند وکالت (ایصال ثمن به موکل) امتناع نموده است لذا به شرح خواسته تقاضای رسیدگی دارد در مقابل عمده دفاعیات خوانده و وکیل وی بر آن استوار گردیده که اعطای وکالت موضوع خواسته عوض مهریه خوانده بوده با این توضیح که بدواً خوانده در ازای ۵۰۰ عدد سکه بهار آزادی از مهر خود، خودروی تیگو ۷ به صورت اعطای وکالت اخذ نموده و پس از آن مجدداً با توافق یکدیگر وکالت خودرو به خواهان اعاده و در مقابل، خواهان سه دانگ از آپارتمان موضوع دعوا را به همراه ۲۰۰ میلیون تومان وجه نقد به خوانده واگذار نموده البته سه دانگ آپارتمان به صورت وکالتی به خوانده واگذار گردیده و متعاقباً با توافق، وکالت سه دانگ نسبت به ملک موصوف اعاده و شش دانگ ملک به صورت وکالتی در مقابل کل مهریه خوانده به وی واگذار شده است که سلسله وکالت‌های رد و بدل شده و نیز تقارن زمانی آن با ابراء ذمه‌ی مهر از سوی خوانده مؤید این موضوع است و علاوه بر آن خوانده گواهی برای اثبات این ادعا

داشته که تقاضای استماع اظهارات آنها را دارد که دادگاه وقت رسیدگی را تجدید و از گواهان تعرفه شده‌ی خواننده استطلاع به عمل آورده، که اینک دعوای مطروحه هم از حیث شکل و هم از حیث ماهوی قابل تحلیل و بررسی است. از نظر شکلی اولاً دعوا یک دعوای مالی، منقول و دینی (شخصی) و ناشی از قرارداد می‌باشد که مطابق با ماده ۲۰ قانون مدنی و مفاد رأی وحدت رویه شماره ۳۱ مورخ ۱۳۶۳/۰۹/۰۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور و ماده ۱۱ از قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه محل اقامت خواننده صلاحیت رسیدگی به دعوا حاضر را دارد. ثانیاً هرچند که در عقد بیع معلوم و معین بودن ثمن و مبیع از اوصاف و مشخصات عقد بیع به عنوان یک عقد معوض می‌باشند و از این رو در نظر اول مطالبه ثمن معامله با جلب نظر کارشناس و به صورت نامعلوم با اوصاف عقد بیع همخوانی ندارد و لیکن آنچه مقصود خواهان از خواسته مطروحه می‌باشد نه قیمت مندرج در سند انتقال مطابق با ارزش معاملات منطقه‌ای است بلکه مطالبه ثمن المثل ملک موضوع خواسته است که تبعاً نامعلوم بوده و مستلزم ارجاع موضوع به کارشناس می‌باشد اما از حیث ماهیت دادگاه قبل از اتخاذ تصمیم ذکر چند نکته را ضروری می‌داند: الف) صرف نظر از اختلاف نظر فقهی که در خصوص عقد یا ایقاع بودن وکالت وجود دارد وکالت به معنای استنباط در تصرف مفید اعطای نیابت و نمایندگی است و دارای آثار و احکام خاصی در قانون می‌باشد و قانون‌گذار حقوق و تکالیف ویژه‌ای برای طرفین تعیین نموده است مانند اینکه وکیل می‌بایستی حدود اختیارات تعیین شده در عقد وکالت و علاوه بر آن غبطه و مصلحت موکل خود را رعایت نماید از این رو وکالت عام و مطلق به معنای نادیده گرفتن حدود متعارف و غبطه و مصلحت موکل نبوده است. بنابراین در چنین وکالت نامه‌هایی وکیل نمی‌تواند به هر شکل و یا نحوی موضوع وکالت را انجام دهد مثلاً در وکالت فروش به صورت عام و یا مطلق وکیل نبایستی ملک را به کمتر از ثمن المثل بفروشد. ب) هرچند که اثر وکالت در نفس آن، اعطای نیابت و نمایندگی است. گاهی اوقات وکالت در مقام عقود ناقله مانند عقد بیع و صلح منعقد می‌گردد. به عبارت دیگر متعاملین به دلایل و انگیزه‌های مختلف از پوشش وکالت به منظور انتقال مالکیت استفاده می‌کنند. حال با عنایت به اینکه مطابق با قاعده‌ی فقهی ((العقود تابعه للقصود))، قرارداد تابع قصد واقعی طرفین است. سؤال اساسی آن است که آیا این عمل حقوقی افراد صحیح می‌باشد یا خیر؟ و در صورت صحت ماهیت آن چیست؟ در مورد ماهیت حقوقی عمل مذکور چند دیدگاه حقوقی قابل طرح است: دیدگاه نخست عقدی که میان طرفین منعقد می‌شود صرفاً یک عقد وکالت محض است احکام و آثار آن تابع وکالت است. دیدگاه

دوم یک عقد ترکیبی از عقد وکالت و حق تملک مال می‌باشد و آنچه در این مرحله رخ می‌دهد وعده انتقال مورد وکالت است. دیدگاه سوم، آنچه بین طرفین واقع می‌شود غیر وکالت است ولیکن اماره‌ای بر وقوع عقد سابق است و دیدگاه چهارم توافق فی‌الواقع عقد ناقله‌ای است که متضمن عقد وکالت است در مقام ارزیابی و داوری نظریات فوق باید گفت نظریه‌های اول و دوم به لحاظ شکل گیرای محض و عدم توجه به قصد واقعی طرفین قابل متابعت نبوده ولیکن می‌توان بین نظریات دوم و چهارم قائل به جمع بود. با این توضیح که در برخی از موارد سند تنظیمی مبتنی بر عقد وکالت محض بوده و در سند موصوف مطابق با عقد وکالت حقوق و تکالیف وکیل و موکل درج شده است ولیکن با قرائن و امارات قضائی می‌توان پی به وجود عقد سابق برد فی‌الواقع عقد وکالت در مقام اجرای آثار عقد سابق تنظیم گردیده است و در برخی موارد دیگر در سند تنظیمی صرف نظر از عنوان وکالت به مواردی اشاره شده که در بردارنده حقوق و تعهدات مربوط به عقد ناقله است مثلاً اینکه در سند به پرداخت وجه از سوی وکیل به موکل و تسلیم اسناد مالکیتی به وکیل اشاره شده است که می‌توان از عنوان عقد وکالت چشم پوشید و با عنایت به قصد واقعی طرفین آن عقد ناقله مانند بیع و احکام و آثار آن را جاری دانست و اما در نحن مافیه سند تنظیمی فی مابین خواهان و خوانده در قالب عقد وکالت محض تنظیم شده است و در آن به حقوق و تعهدات وکیل و موکل اشاره شده است اما به موجب قرائن و امارات قضائی می‌توان به وجود توافق سابق بین طرفین پی برد. اول اینکه بین خواهان و خوانده رابطه‌ای زوجیت برقرار بوده و در روابط زناشویی، ظاهر به تبرع و احسان بوده و لذا نمی‌توان در تحلیل و تفسیر وکالت تنظیمی فی مابین طرفین، این رابطه را نادیده انگاشت. دوم اینکه تسلسل وکالت نامه‌های تنظیمی فی مابین طرفین و تقارن زمانی آن با اقرارنامه‌ی رسمی خواهان به دریافت حق و حقوق نکاحیه‌ی خود همگی دلالت بر آن داشته که قصد واقعی طرفین از تنظیم وکالت نامه سوای از یک وکالت محض بوده با این توضیح که در تاریخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۳ همزمان با اعلام وکالت خودروی چری تیگو ۷ از سوی خواهان به خواننده اقرارنامه‌ی خوانده به دریافت ۵۰۰ عدد سکه بهار آزادی تنظیم شده است و متعاقباً همزمان با عزل وکیل از سوی خواهان در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ در وکالت خودروی تیگو، وکالت ۳ دانگ از ملک موضوع دعوا از سوی خواهان به خواننده اعطا شده است و در تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۹ همزمان با اعطای وکالت ۶ دانگ از ملک موضوع دعوا از سوی خواهان به خواننده، اقرارنامه رسمی خوانده به دریافت حقوق نکاحیه تنظیم شده است. بنابراین ملاحظه می‌گردد قصد واقعی طرفین نه اعطای وکالت جهت فروش ملک

توسط خواننده و ایصال وجوه آن به خواهان بوده بلکه قصد طرفین پرداخت حقوق زوجیت خواننده بوده است؛ لذا با عنایت به موارد فوق الذکر و صرف نظر از اظهارات گواهان تعرفه شده‌ی خواننده و توجهاً به قصد واقعی طرفین از تنظیم وکالتنامه و حکومت قاعده فقهی ((العقود تابعه للقصود)) و مدلول ماده‌ی ۱۹۱ از قانون مدنی دعوای خواهان را وارد و مقرون به صحت ندانسته و مستنداً به ماده‌ی ۱۲۵۷ قانون مدنی و ماده ۱۹۷ از قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بی‌حقی خواهان صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان اصفهان می‌باشد.

رئیس شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان مبارکه - فرزاد حبیبی

۲- «رأی صادره از شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر»

تجدیدنظرخواهان:

۱. راه آهن جمهوری اسلامی ایران به نشانی ... با نمایندگی خانم ن.ع فرزند الف. و آقای الف.ب. فرزند ف.

۲. ب. به نشانی استان ...

تجدیدنظرخواندگان:

۱. ب. به نشانی ...

۲. راه آهن جمهوری اسلامی ایران به نشانی ... با نمایندگی آقای م.ح. فرزند ص. و با وکالت آقای م.غ. فرزند ح. به نشانی استان ... و با وکالت آقای م.ب. فرزند ع. به نشانی استان ...

تجدیدنظر خواسته‌ها:

۱. مطالبه خسارت دادرسی

۲. مطالبه خسارت تأخیر تادیه

۳. مطالبه وجه بابت ...

رأی دادگاه

در خصوص تجدیدنظرخواهی شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران به طرفیت شرکت ب. نسبت به دادنامه شماره ۴۲۳۰-۱۴۰۲/۰۴/۳۱-۱ صادره از شعبه ۱۷ دادگاه حقوقی شهرستان اصفهان که در بردارنده‌ی ۱- صدور حکم به محکومیت شرکت ب. به پرداخت ۳۴۳/۴۳۵/۲۸۹/۰۸۶ ریال در حق راه آهن جمهوری اسلامی ایران و نیز به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه این مبلغ از تاریخ تقدیم دادخواست لغایت زمان اجرای حکم و نیز پرداخت هزینه‌های دادرسی ۲- حکم به رد دعوی تجدیدنظرخواه با خواسته‌ی مطالبه مبالغ مربوط به اجاره واگن و هزینه‌های تعمیر واگن ادعایی توسط خواهان اصلی شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ۳- محکومیت تجدیدنظر خواه به پرداخت ۳/۲۷۸/۵۶۶/۲۴۲/۰۹۸ ریال در حق شرکت ب. و نیز خسارت تأخیر تأدیه این مبلغ از تاریخ قطعیت این رأی لغایت زمان اجرای حکم به شرح دادنامه نخستین می‌باشد. عمده اعتراضات شرکت راه آهن جمهوری اسلامی بدین نحو است: ۱- اعتراض به طلب حق دسترسی راه آهن در سال ۱۳۹۶ صورت

جلسات مغایرت‌گیری بین دو شرکت امضا شد ولی شرکت ب. علی‌رغم قبول بدهی از اجرای مفاد آن امتناع نمود. اصل مطالبات راه آهن تا سال ۹۷ مبلغ ۱/۴۴۴/۵۶۵/۹۲۶/۸۱۰ ریال است. هیئت خبره در حالی نظر به رقم محکوم به داده است که شرکت ب. در بند الف و ۳ صورت‌جلسه ۱۳۹۶/۱۱/۰۸ اصل بدهی خود را به راه‌آهن به مبلغی بالغ بر ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال پذیرفته است و رقم محکوم‌به بدون محاسبه تأخیر موضوع مصوبه ۱۰۹۰-۱۳۷۶/۰۳/۱۱ مجلس شورای اسلامی است و در سایر موارد اظهار نظر هیأت ۹ نفره نیز ادعای مطالبه شرکت ب.، جهش عجیبی نسبت به هیأت-های قبلی پیدا کرده است.

۲- بر اساس ماده ۱۹ قرارداد استنادی اختلافات بدو باید از طریق کمیسیون حل اختلاف مورد بررسی و حل و فصل قرار گیرد و در صورت عدم توافق رسیدگی به اختلاف در صلاحیت و شایستگی مرجع قضایی قرار خواهد گرفت. بنابراین تا قبل از تشکیل کمیسیون مربوطه و صدور رأی، طرح مستقیم دعوا در محکمه قابلیت استماع ندارد.

۳- با مذاقه در ستون خواسته دادخواست تقابل شرکت ب. و سطر دوم به بعد از صفحه دوم ملاحظه می‌گردد خواسته خواهان (۱) مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد مبنی بر تأمین سیصد کیلومتر سیر (۲) توقف ناموجه واگن‌های شرکت (۳) اعلام خلاف واقع و ایراد خدشه بر اعتبار تجاری با جلب نظر کارشناس می‌باشد. این در حالی است که هیئت خبره و دادگاه پیرامون ادعای منافع تفویت شده ناشی از تأخیر در تخصیص دیزل و ادعای منافع تفویت شده ناشی از مسدود شدن بارنامه و ابطال بارنامه اظهار نظر و حکم صادر نموده‌اند که خارج از خواسته خواهان می‌باشد. شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی بر اساس قرارداد سال ۸۴ ملزم به سیر ۳۰۰ کیلومتر واگن‌های شرکت ب. داشته و استدلال شده که چون سیر ۳۰۰ کیلومتر داده نشده باید وجه التزام داده شود و سپس وجه التزام بر خلاف قانون تعدیل شده است. در زمان انعقاد قرارداد شرکت ب. تنها مالک ۱۰۰۰ دستگاه واگن بوده است. قطع نظر از اینکه شرکت راه آهن مرتکب هیچ‌گونه تخلفی نشده، دادگاه چگونه راجع به ۲۰۰۰ دستگاه واگن دیگر که در خصوص سیر ۳۰۰ کیلومتر آن هیچ‌گونه قراردادی وجود نداشته و حکم صادر نموده است.

۴- برابر تبصره دو ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، عدم‌النفع ناشی از ادعای تخلف از سوی شرکت راه‌آهن مسموع نیست لیکن کارشناسان و دادگاه بدوی ماهیت خواسته خواهان را از خسارت عدم‌النفع به منافع تفویت شده در نظریه کارشناسی این تغییر داده است.

۵- شرکت ب. در دادخواست ابرازی خواسته را به صورت علی‌الحساب مبلغ ۲۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال تقویم نموده است و خواسته بالغ بر چند صد میلیاردی مطرح نموده است تقویم خواهان به منظور فرار از پرداخت هزینه دادرسی و تقلب نسبت به قانون است.

۶- امور قضایی به کارشناسان خبره محول شده است که تعیین اهل خبره و محول نمودن امور قضایی به کارشناسان خبره بر خلاف مقررات است.

۷- همین کارشناسان در پرونده‌های دیگر در خصوص تعهد سیر ۳۰۰ کیلومتر علیه شرکت راه آهن مطرح شده است نظرات مختلف دیگری را ارائه کرده‌اند و اعتقاد به عدم استحقاق خسارت سیر واگن‌ها داشتند.

۸- دادگاه استدلال و استنادی که اثبات نماید که شرکت راه آهن از تعهدات قرارداد تخلف نموده انجام نداده و صرفاً به اتکای نظریه اهل خبره که قویاً بر خلاف اوضاع و احوال مسلم قضیه است استوار شده است. اهل خبره نیز نظریه آن‌ها مستند نیست و کوچک‌ترین سند و مدرکی برای اثبات ادعای خود ارائه نکرده‌اند. مبنای محاسبه درخواست خسارت ناشی از ادعای واهی مسدود نمودن بارنامه‌ها و نیز خسارت ناشی از عدم تخصیص دیزل مجهول است.

۹- با وجود تأکیدات مکرر مبنی بر اینکه تخلفی از سوی راه آهن نسبت به تکلیف قراردادی مطلقاً صورت نپذیرفته آقایان اهل خبره و دادگاه بدوی با مفروض قلمداد نمودن تعهد راه آهن و تخطی از این تکلیف ادعای واهی و بی‌اساس شرکت ب. در مطالبه خسارات متعدد از جمله تأخیر در تخصیص دیزل اخیر در تعهد به سیر واگن‌ها و غیره را مورد پذیرش قرار داده‌اند. شرکت راه آهن از نظر قرارداد قانونی و بخشنامه‌های مربوطه هرگز مرتکب هیچ‌گونه تخلفی در زمینه اعطای سیر ۳۰۰ کیلومتر به واگن‌های شرکت ب. نگردید و انگهی بر اساس ماده ۱۰ قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی، کلیه دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های شرکت راه آهن برای کلیه شرکت‌های حمل و نقل ریلی لازم‌الرعا می‌باشد. ایجاد تعهد شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران اعطای سیر ۳۰۰ کیلومتر منوط و موکول به آن است که شرکت‌های حمل و نقل و تکالیف داده و قانونی خود جامعه عمل ببوشانند شرکت ب. به تعهدات قراردادی خود برای حال شدن تعهد بالقوه راه آهن به اعطای سیر ۳۰۰ کیلومتر که مقدمه ایجاد مسئولیت شرکت راه آهن می‌باشد عمل نکرده است.

۱۰- دادگاه بدوی وجه التزام را برخلاف ماده ۲۳۰ قانون مدنی تعدیل کرده و این یعنی نقض امنیت قضایی؛ عدد وجه التزام قراردادی از حدود ۳۳۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان سابق از ۸۶۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان

تغییر داده شده است این در صورتی است که بر اساس بند ۳-۶ و تبصره آن برای کسری تعهد سیر به ازای هر محور کیلومتر ۵۰ ریال تعیین شده است و بر فرض محال که تخلفی در این زمینه رخ داده باشد تعدیل وجه التزام به طور واضح و آشکار و خلاف قانون است.

۱۱- ادعای مسدود نمودن بارنامه‌های شرکت ب. بهانه یک ادعا کلاً کاملاً کذب واهی و بی‌اساس است شرکت راه‌آهن هیچ‌گاه جلوی بارنامه‌ای شرکت ب. را نگرفت بلکه مقرر داشته که باید شرکت نقداً هزینه‌ها بارنامه را بپردازد اما متأسفانه کارشناسان مسائل بدین روشنی را نادیده گرفتند. شرکت ب. باید هزینه صدور بارنامه را به طور نقد به شرکت راه‌آهن پرداخت می‌نمود اما از پرداخت عوارض خودداری کرده است ضمن اینکه شرکت دیون سنگینی نیز به شرکت راه‌آهن داشته است بنابراین شرکت راه‌آهن به منظور حفظ حقوق عامه نه تنها حق، بلکه تکلیف داشته از صدور بارنامه تا پرداخت نقدی عوارض اجتناب نماید. هیچ‌گاه سیستم صدور بارنامه شرکت ب. با ناشی از تقصیر را هم قطع نشد بلکه سیستم صدور بارنامه به واسطه عدم پرداخت مطالبات را هم از سوی شرکت مذکور به صورت نقدی در آمده است.

۱۲- خلق تعهد تخصیص دیزل به عنوان الزام قراردادی له شرکت ب. : شرکت راه‌آهن چنین تعهدی را به عهده نگرفته است و مبانی کارشناسان و مبانی نظری آن‌ها مشخص نیست هرگز تخلفی از سوی شرکت راه‌آهن انجام نشده شرکت ب. پا از تعهدات قراردادی خود تخطی نموده است. اقدام هیأت کارشناسان مبنی بر این که یک بار خسارت ناشی از عدم سیر ۳۰۰ کیلومتر را برآورد نماید و سپس خسارت ناشی از عدم تخصیص دیزل را برآورده نمایند تخصیص دیزل لازمه و مقدمه سیر سیصد کیلومتر است در نظر گرفتن تخصیص دیزل به عنوان یک تعهد جدید و صدور حکم نسبت به آن وقتی شرکت راه‌آهن اقدام به سیر کیلومتر ننماید یعنی تخصیص دیزل برای حمل واگن‌ها انجام نشده و جمع دو خسارت منطقی نیست.

لازم به ذکر است که دادگاه نخستین در مورد مازاد طلب شرکت راه‌آهن و نیز شمول ماده واحده قانون اجازه وصول جریمه تأخیر تأدیه صورت حساب هزینه حمل کالا به وسیله شرکت سهامی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۱ نسبت به مطالبات شرکت راه‌آهن و نیز خسارت تأخیر تأدیه مورد تقاضای شرکت ب. از تاریخ تقدیم دادخواست تا زمان قطعیت رأی نفیاً یا اثباتاً اظهار نظر نکرده است. اینک از توجه به مفاد پرونده و اظهارنظر کارشناسان و اعتراضات

واصله و جلسه تشکیل شده با حضور طرفین ادعا و نماینده کارشناسان منتخب ذکر این مبانی ضرورت دارد:

۱- اگرچه بنا به صورت جلسات ارائه شده تحت عنوان مغایرت‌گیری طرفین دعوا نسبت به ارقامی از طلب و بدهی به توافق رسیده‌اند. لیکن این توافقات عملی نشده است تا از طرح دعوی جلوگیری کند و شرکت راه آهن نیز در طرح دادخواست نخستین موضوع را در ستون خواسته به طور کلی ذکر کرده است و جهت احراز میزان طلب درخواست کارشناسی نموده است. لذا مفاد صورت جلسات مذکور مورد اتکای خود شرکت راه آهن نیز نبوده است. علت تغییر و جهش در ارقام مورد ادعای شرکت ب. در هیئت نه نفر نیز آن بوده است که بنا به مفاد نظرات هیئت‌های ۵ و ۷ نفره، توافق طرفین صرفاً نسبت به ۱۰۰۰ واگن مورد ارزیابی قرار گرفته است و هیئت نه نفره نسبت به ارزیابی دعوا بر مبنای واگن‌های اضافه شد تا ۳۰۰۰ عدد اظهار نظر کرده است. ضمن اینکه مصادیق اجرای قانون اجازه وصول جریمه تأخیر تأدیه صورت حساب هزینه حمل کالا به وسیله شرکت سهامی راه آهن جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۱ با لحاظ زمان تصویب ماده واحده مذکور و مباشرت شرکت راه آهن به حمل و نقل، تأخیر در پرداخت کرایه حمل می‌باشد و موضوعاً از مورد اختلاف طرفین که مربوط به حق سیر موضوع قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی کشور خارج است.

۲- ماده ۹ قرارداد صرفاً مبین گونه‌ای حل و فصل اختلاف از طریق سازش یا کدخدامنشی (ADR) است و به مفهوم داوری که در بردارنده التزام طرفین به نتیجه حاصل از سازش باشد نیست. زیرا در قسمت اخیر این ماده آمده است «در صورت عدم توافق و رفع اختلاف نظرها، موضوع به مرجع قضایی ارجاع خواهد شد» که طرح دعوی اصلی و تقابل از سوی طرفین قرارداد، مبین عدول آن‌ها از حل و فصل سازش گونه مندرج در ماده مرقوم است. وانگهی بنا به صورت جلسه تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۳ در پی اعتراض وکیل شرکت ب. به شیوه حل و فصل اختلاف موضوع ماده ۹، خود شرکت راه آهن ممتنع از پذیرش چنین روشی شده است. (صفحه ۵۷ پرونده)

۳- ایراد به صدور رأی خارج از خواسته نیز مسموع نیست در دادخواست اولیه شرکت ب.، به طور مطلق خسارت ناشی از عدم انجام تعهد و توقف ناموجه واگن‌ها و خدشه وارد بر اعتبار شرکت را درخواست نموده است. پس مطلق ادعای شرکت ب.، ورود خسارت ناشی از نقض تعهد است و

کارشناسان صرفاً مصادیق نقض تعهد که سبب ورود خسارت است را در ۳ گروه (تعهد عدم سیر - تعهد فراهم نمودن واگن - تعهد صدور بارنامه) تفکیک نموده‌اند.

۴- مبنای استحقاق طرفین دعوا بر اساس قرارداد عادی شماره ۵۰۴ تاریخ ۱۳۸۴/۰۱/۰۱ و نیز قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی کشور مصوب ۱۳۸۴/۰۷/۲۰ می‌باشد. در ماده ۲ قرارداد آمده است: «مدت قرارداد از تاریخ ۱۳۸۴/۰۱/۰۱ برای سیر واگن‌ها تا زمان وجود صلاحیت‌های فنی بر اساس دستورالعمل‌ها و استانداردهای اعلام شده توسط راه‌آهن می‌باشد و در سایر موارد همه ساله مفاد قرارداد بررسی و با توافق طرفین تمدید می‌گردد» که رفتار عملی طرفین پس از تصویب قانون بیانگر عمل به مفاد قرارداد مذکور و نیز سهم بودن شرکت در حمل و نقل ریلی است. زیرا مبنای مطالبات حقوق شرکت راه‌آهن (حق سیر)، ناگزیر باید بر اساس رابطه قراردادی باشد و در غیر این رابطه استحقاق تجدیدنظرخواه متکی بر هیچ سبب حقوقی نیست. در ماده ۳ قرارداد تعرفه خدمات قید شده است و برای سال‌های بعد بر اساس بخشنامه‌های موضوع تعرفه خدمات اضافه شده است و پرداخت‌های انجام شده نیز متکی به مبنای اولیه (قرارداد شماره ۵۰۴) و دستورالعمل‌های اداری اعمال شده است. اگرچه قرارداد و مفاد آن به صراحت مورد تمدید قرار نگرفته است. لیکن رفتار عملی طرفین بیانگر تمدید عملی مدت قرارداد می‌باشد. نتیجتاً این دادگاه مقررات قانونی و مفاد قرارداد موضوع دعوا را در لحاظ حقوق طرفین مد نظر قرار می‌دهد. مستفاد از روح حاکم بر قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی مصوب سال ۱۳۸۴ و نیز آیین‌نامه‌های مرتبط و خصوصاً بند «د» و «ح» آیین‌نامه تأسیس و فعالیت شرکت‌های حمل و نقل ریلی ۱۳۸۹/۰۸/۳۰، راه‌آهن تکلیف به انعقاد قرارداد با شرکت‌های حمل و نقل ریلی داشته است. زیرا بدون وجود توافق، وجود مسئولیت و تعهد مثبت (مطالبه حق سیر) و منفی (مطالبه خسارت ناشی از نقض تعهد) میسر نیست. کما اینکه در ماده ۳ قانون دسترسی، راه‌آهن را مکلف به تسهیل مصادیق اجرایی قانون نموده است (برنامه‌ریزی، هدایت، کنترل) و نقض این تکلیف (محدودیت عبور واگن) را تخلف دانسته و راه‌آهن را مکلف به جبران زیان وارد نموده است. که مقرر مذکور با وجود عموم مقررات مسئولیت مدنی و مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی اولاً تأکیدی بر وجود مسئولیت نهاد دولتی در صورت نقض تعهدات قانونی و قراردادی است. ثانیاً بیانگر آن است که شرکت راه‌آهن در راستای تبیین مسئولیت خود تکلیف به انعقاد قرارداد دارد و عدم انعقاد قرارداد با شرکت‌های ریلی و تعیین حدود و ثغور مسئولیت خود تخلف علی‌حده‌ای است. علی‌ایحال در مقام سکوت لاجرم دادگاه مفاد همان قرارداد سابق را

۸- از توجه به مکاتبات انجام شده توسط کارشناسان و مقدمات اظهارنظر تمامی هیأت‌های کارشناسی همه کارشناسان بالاتفاق نقض تعهد شرکت راه‌آهن را تأیید کرده‌اند و قابل اتکاترین سند موضوع تفسیر کارشناسان بارنامه‌های صادره می‌باشد که مورد اتفاق طرفین دعوا است.

۹- اگرچه شرکت راه‌آهن با اتکا به قرارداد و نیز ماده ۱۰ قانون دسترسی، ایجاد مسئولیت پرداخت زیان را منوط به ارائه مستندات خاص از سوی شرکت ب. نموده است اما باید به این موضوع توجه داشت که موضوع تعهد راه‌آهن اعطای لوکوموتیو و حق سیر است و اعطای چنین حقوقی لزوماً مستلزم درخواست شرکت و صدور بارنامه است. بدین مفهوم که راه‌آهن در طی سالیان مورد ادعا هیچ‌گاه از این شرکت و ظاهراً شرکت‌های دیگر در راستای اثبات این مسئولیت فرم‌های خاص را عملاً مطالبه نکرده است. کما اینکه کارشناسان در تجزیه و تحلیل اسناد گفته‌اند که به صرف صدور بارنامه حق شرکت حمل و نقل در اعطای دیزل و حق سیر تسجیل می‌شود و کل عملیات مورد ادعای شرکت راه‌آهن اصولاً قبل از صدور بارنامه فرض می‌شود. شرکت راه‌آهن حقوق خود را بر اساس بارنامه‌های صادره مطالبه کرده است لذا تکلیف نیز باید بر اساس همین مستندات مدنظر باشد.

۱۰- در ماده سه قرارداد، تعرفه خدمات ارائه شده به صورت دقیق آورده شد. بند ۷-۲ قرارداد تغییر در مفاد تعرفه راه‌آهن را الزامی دانسته است. یعنی شیوه‌ای برای افزایش احتمالی تعرفه را پیشاپیش بر شرکت حمل‌ونقل ریلی تحمیل نموده است. همچنین در تبصره بند ۴-۳ قرارداد چگونگی مطالبه خسارت در تأخیر پرداخت را معین نموده است. با این فروض قراردادی باید گفت: اولاً منطق حاکم بر قراردادهای مغایه‌ای یا معاوضی آن است که موازنه‌ای بین حقوق طرفین برقرار باشد و عدالت معاوضی نیز ایجاب می‌کند که طرفین در حقوق و مسئولیت ناشی از قرارداد منابع با ارزش برابر را مبادله کنند. کارکرد اقتصادی قرارداد نیز اقتضا دارد که طرفین قرارداد در تقابل حقوق و تکالیف در موقعیتی همسان با یکدیگر باشند. در حالی که شرکت راه‌آهن مطالبات خود را بر اساس تعرفه‌ای که به صورت دوره‌ای افزایش می‌یابد مطالبه می‌کند. آیا عادلانه است که خسارت ناشی از نقض تعهداتش را صرفاً بر مبنای عددی ثابت تعیین کنیم؟ (جریمه کسری سیر واگن‌ها به ازای هر کیلومتر ۵۰ ریال) همان‌گونه که در بندهای پیشین آورده شد در تحلیل قراردادهای تحمیلی در موارد تردید باید موضوع به نفع الحاق شونده تفسیر شود. ثانیاً در بند ۶-۱۰ قرارداد احاله جبران خسارت بر اساس مقررات و دستورالعمل‌های می‌باشد. فلذا شیوه جبران خسارت بنابراین بند از قرارداد صرفاً

منحصر در هر کیلومتر ۵۰ ریال نیست و در ماده سه قانون دسترسی نیز جبران خسارت به طور مطلق بیان شده است و دادگاه نیز بر اساس بند ۱۰-۶ قرارداد و این اطلاق ماده ۳ قانون، شیوه جبران را به دست کارشناسان سپرده است نتیجه آنکه اعتراض به تعدیل موضوع آن از مبلغ مصرحه مندرج در قرارداد و ماده ۲۳۰ قانون مدنی خارج است و اظهارنظر کارشناسان نیز در مورد شیوه تعدیل وجه التزام تعیین شده، عادلانه است.

۱۱- در مورد خسارت ناشی از عدم تخصیص دیزل مطابق ماده شش قرارداد و نیز بر اساس مفاد قانون دسترسی یکی از تعهدات شرکت راه آهن تخصیص لوکوموتیو است و طبعاً نقض هر گونه تعهدی مستلزم جبران خسارت است (مواد یک و دو قانون مسئولیت مدنی و ماده سه قانون دسترسی) و در خصوص هم پوشانی خسارت عدم سیر و عدم اختصاص لوکوموتیو با توجه به گزارش و تحلیل کارشناسان از زمان بندی زمان صدور بارنامه و اختصاص لوکوموتیو و اجازه سیر خسارت تعیین شده هم پوشانی ندارد و هر یک به صورت مستقل تعیین شده است نظر به اینکه حسب محتویات پرونده دادنامه معترض عنه بر اساس مستندات و دلایل موجود در پرونده به درستی و مطابق موازین قانونی صادر گردیده و از حیث رعایت اصول و تشریفات دادرسی نیز ایرادی بر آن مترتب نیست و در این مرحله از دادرسی دلیل مؤثر و موجهی که موجبات نقض و بی اعتباری آن را فراهم آورد ارایه نشده و درخواست تجدیدنظرخواهی با هیچ یک از جهات مندرج در بندهای ذیل ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مطابقت ندارد. بنابراین با توجه به مراتب پیش گفته تجدیدنظرخواهی را وارد ندانسته و با رد تجدیدنظرخواهی مستند به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه تجدیدنظر خواسته تأیید و استوار می گردد. رأی صادره قطعی است.

مستشاران شعبه بیست و دو دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان

علی رئیسی - علی محمدی

۳- «رأی صادره از شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر»

تجدیدنظرخواهان:

۱- بیمه د. به نشانی ... با نمایندگی آقای الف.ح. فرزند ح. و با وکالت خانم م.ف. فرزند الف. به نشانی استان ...

۲- بیمه الف. با وکالت آقای ح.ن.د. فرزند الف. به نشانی استان ... و آقای ع.گ.د. فرزند م. به نشانی استان ...

تجدیدنظرخوانده: الف.ک. فرزند ح. با وکالت آقای م.الف. فرزند م. به نشانی استان ...
تجدیدنظرخواسته ها: نسبت به دادنامه شماره ۱۴۰۲-۷۵۴۲ صادره از شعبه ۸ دادگاه حقوقی شهرستان اصفهان

در تاریخ فوق جلسه دادگاه شعبه بیست و ششم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان به تصدی اینجانبان امضاکنندگان ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه فوق در وقت نظارت/فوق العاده تحت نظر است ملاحظه می گردد خواهان تقاضای تجدیدنظر کرده است. دادگاه نظر به اوراق و محتویات پرونده و با استعانت از خداوند متعال ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی دادگاه

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای الف.ک. با وکالت آقای م.الف. به طرفیت شرکت بیمه د. و شرکت بیمه الف. نسبت به دادنامه شماره ... صادره از شعبه ۸ دادگاه حقوقی شهرستان اصفهان که متضمن صدور حکم بر بطلان دعوی مطالبه خسارت قراردادی مازاد به مبلغ ۲۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال به طرفیت بیمه د. و تمام مبلغ موضوع خواسته به میزان ۳,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از شرکت بیمه الف. و مطالبه خسارات دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه می باشد.

بدین شرح که تجدیدنظرخواه کارگر شرکت نیرو ت. با مدیریت آقای ل.ک. بود که در تاریخ بیست و پنجم مرداد ماه سال ۱۳۹۵ در حین انجام قرارداد موضوع پیمان شماره ۱۰۵-۹۵ برای شرکت الف. از ارتفاع تیر برق حین انجام عملیات انتقال نیروی برق رسانی سقوط کرده و دچار صدمات عمده ای و قطع نخاع و فلج اندام ها شده است که شرکت بیمه د. به موجب قرارداد بیمه مسئولیت مدنی کارفرما در قبال کارکنان پروژه های عمرانی به شماره ... مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۸ و پوشش های

الحاقی و غرامت فوت و نقص عضو در ماه‌های عادی به مبلغ یک میلیارد و نهصد میلیون ریال و شرکت بیمه الف. به موجب قرارداد بیمه شماره ... و خرید پوشش‌های الحاقی از جمله تأمین بیمه برای کارکنان شرکت‌های پیمانکار اصلی و فرعی ناشی از حوادث کار مسئولیت پیمانکاران اصلی و فرعی و مابه‌التفاوت اصلی افزایش دیه دوم و مازاد بر تعهدات غرامت نقص عضو و غیره را به شرح قرارداد الحاقی از سوی کارفرما خریداری کرده و زیان‌دیده کارگر پیمانکار فرعی شرکت الف. بود و سوی شرکت بیمه د. بایستی مبلغ یک میلیارد و نهصد میلیون ریال و از سوی شرکت بیمه الف. با است و این مبلغ سه میلیارد و هشتصد میلیون ریال به عنوان کارگر پیمانکار فرعی پرداخت شود که فقط مبلغ ۶۳۰۰۰۰۰۰ تومان از سوی شرکت بیمه د. بابت قرارداد پرداخت شده و شرکت بیمه الف. مبلغی پرداخت نکرده که تقاضای محکومیت شرکت بیمه الف. به پرداخت مبلغ ۱,۲۶۶,۶۶۶,۶۷۰ بابت تفاوت دیه و خسارت تأخیر و خسارات دادرسی و حق‌الوکاله و الزام شرکت بیمه الف. به پرداخت مبلغ ۳,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت دیه صدمات با توجه به قرارداد تقدیمی و خسارت تأخیر را دارد شرکت بیمه د. در دفاع بیان کرده با توجه به تفاوت کارگران بیمه شده و تعدادی واقعی آن‌ها قاعده نسبی اعمال خسارت بایست اعمال شود و شرکت بیمه الف. بیان کرده با توجه به اعلام نکردن حادثه ظرف مهلت قانونی و قراردادی تجدیدنظرخواه حقی بر مطالبه خسارت ندارد که دادگاه نخستین حقانیت تجدیدنظرخواه را پس از ارجاع موضوع به کارشناسی یک و سه نفره صرفاً نسبت به بیمه د. به میزان ۲۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ثابت و نسبت به مازاد و همچنین شرکت بیمه الف. حکم بر بی‌حقی صادر کرده است.

دادگاه نظر به اینکه موضوع اختلاف در تفسیر قرارداد بیمه بین طرفین و مسئولیت بیمه‌گر یا عدم مسئولیت قراردادی بیمه‌گر بوده که تفسیر در این قضیه امری حکمی بوده و امری موضوعی که جنبه فنی و تخصصی داشته باشد نبوده پس توان ارجاع به کارشناسی نداشته، بنابراین نظرات کارشناسی که در مورد مسئولیت شرکت بیمه اظهار نظر کرده‌اند صرف‌نظر از نتیجه نادیده می‌گیرد.

در این پرونده، در رسیدگی اختلاف طرفین با توجه به موضوع قرارداد علاوه بر قواعد عمومی جبران خسارت قراردادی بایستی قواعد بیمه‌ای لحاظ گردد من جمله؛

۱- دعوی تجدیدنظرخواه دعوی مستقیم بوده که از ناحیه ذی‌نفع قرارداد بیمه که بیمه‌گذار نبوده و قرارداد بیمه در راستای تأمین حقوق وی و جبران مسئولیت جبران خسارت بیمه‌گذار منعقد شده به طرفیت شرکت‌های بیمه‌گر مطرح شده است که منظور از دعوی مستقیم دعوی حقی است که طلبکار

بی واسطه بر متعهد خود پیدا می‌کند و خواهان در این دعوا حق را به سود و به نام خود اعمال می‌کند و مال موضوع خواسته در صورت اثبات حقانیت از خواننده گرفته می‌شود و به خواهان داده می‌شود مسئولیت متعهد (بیمه‌گذار) و بیمه‌گر در قبال ثالث مسئولیت تضامنی بوده که هر یک به سببی مکلف به جبران خسارت می‌باشند که سبب تعهد متعهد اصلی تقصیر و سبب مسئولیت بیمه قرارداد جبران خسارت ناشی از تقصیر طرف قرارداد بیمه است که این دعوا هرچند در رویه قضایی ایران چندان ملموس نیست اما در کشورهای پیشرفته مبتنی بر سابقه است که با توجه به اینکه بیمه نیز از عقود جدید بوده این دعوا در ایران توان پذیرش دارد چنانچه دادگاه در گذشته قرار عدم استماع دعوی دادگاه نخستین را به همین سبب به موجب دادنامه شماره ۲۲۳۲-۱۴۰۲ نقض کرده است.

۲- در تفسیر قراردادهای بیمه با عنایت به اینکه تنظیم قرارداد توسط بیمه‌گر انجام می‌شود این قرارداد بایستی به نحوی تفسیر گردد که تفسیر علیه تنظیم کننده یا همان بیمه‌گر باشد و ابهام بایستی علیه تنظیم کننده متن تفسیر شود و اجرای صحیح و مناسب دکرترین تفسیر علیه تنظیم کننده در فرض ابهام در پوشش بیمه‌ای در متن بیمه‌نامه را به سود یک بررسی منصفانه و بی طرفانه همه دلایل ارائه شده سوق می‌دهد و این نظریه و دکرترین حقوقی چندان مورد اقبال است که به صورت یک قاعده قانونی درآمده است و در مواردی اعمال می‌شود که پس از تلاش کافی برای رفع ابهام قرارداد کماکان غیرقطعی و مبهم باقی بماند.

۳- قاعده نسبی اعمال خسارت، که بر اساس ماده ۱۶ و ۱۰ قانون بیمه، اگر مالی به کمتر از قیمت واقعی بیمه شود بیمه‌گر به نسبت قیمت واقعی خسارت جبران می‌شود و یا اگر در قرارداد وضعیتی بوده که بیمه‌گر اگر از آن اطلاع داشت با آن حق بیمه حاضر به انعقاد قرارداد بیمه نبود که این قاعده به صورت مکرر در قراردادهای بیمه با دو شرکت در قرارداد اصلی و شرایط آن بیان شده است.

۴- مرور زمان و مهلت اعلام خسارت - ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶ مقرر داشته است که بیمه‌گذار متعهد است از زمان حادثه منتهی تا ۵ روز بیمه‌گر را در جریان قرار دهد که در صورت عدم اعلام حقی بر طلب خسارت ندارد.

با توجه به قواعد تبیین شده به موجب لیست کارگران اعلامی به سازمان تأمین اجتماعی تعداد کارگران شرکت کارفرمای مستقیم تجدیدنظرخواه در مدت اجرای قرارداد بیمه تا چهار نفر بوده که دو نفر بیمه شده‌اند و با عنایت به قرارداد شرکت بیمه ... با کارفرمای اصلی شرکت الف. تعداد کارکنان ۸ نفر و حداکثر کارکنان ۱۰ نفر بیان شده که اسامی هفت نفر به موجب الحاقیه ۱۳۹۵/۰۳/۲۲

بیان شده است که قاعده نسبی اعمال خسارت مطابق مواد ۱۰ و ۱۶ قانون بیمه و قرارداد در شرکت بیمه د. به موجب مفاد ماده ۱۹ بیمه‌نامه و ۱۱ فصل اول و ۱۰ فصل دوم به سبب تعهد بیمه‌گذار به اعلام تعداد واقعی کارکنان خود برقرار بوده و در صورت کم اعلام کردن تعداد کارگران به نسبت خسارت قابل پرداخت می‌باشد و مسئولیت شرکت بیمه به عنوان بیمه‌گر کاهش می‌یابد که با اعمال این قاعده میزان خسارت مورد تعهد شرکت‌های بیمه یک دوم مبلغ مورد تعهد می‌باشد اما در مورد شرکت بیمه الف. با توجه به اعلام ۸ نفر کارگر و امکان افزایش بیست درصدی تعداد که تجدیدنظرخواه را با توجه به لزوم تفسیر قرارداد به نفع زیان‌دیده و اصل لزوم جبران خسارت کامل توان اعمال نداشته است و در مورد ایراد امروز زمان شرکت بیمه ... با توجه به اینکه مهلت پنج روزه که خلاف نظر نویسندگان حقوقی که آن را مرور زمان دانسته‌اند مهلت است و بین مهلت و مرور زمان تفاوت وجود دارد امروز زمان مدتی است که پس از آن دعوی با ایراد طرف توان پذیرش ندارد و مهلت مدتی است که شخص برای اعمال حق خود رعایت کند و در صورت عدم رعایت ولو بدون ایراد دعوی پذیرفته نمی‌شود به مانند مهلت تقدیم دادخواست اعتراض به ثبت عمومی و مهلت واخواهی و تجدیدنظرخواهی که در قرارداد بیمه مهلت یاد شده ناظر به بیمه‌گذار است و در بیمه‌های مسئولیت که به نفع شخص ثالث بوده و ثالث زیان‌دیده هیچ اطلاع و آگاهی از قرارداد بیمه و شرکت بیمه‌گر نداشته و با اهمال و سوء نیت بیمه‌گذار نسبت به زیان‌دیده در جبران خسارت در اعلام نکردن وقوع حادثه خسارت و همچنین در مورد معاذیر قانونی موضوع ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی این مهلت قابلیت اعمال ندارد و نمی‌تواند موجب سلب بهره‌مندی ذینفع با حسن نیت از مزایای قرارداد که در راستای تأمین حقوق وی منعقد شده است گردد همچنین در قراردادهای بیمه در روابط بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار دارای اوصافی مانند حسن نیت توجه به پیش‌بینی متعارف و منصفانه بیمه‌گذار است و جز در مواردی که دلیل یا توجیه منطقی و قانونی وجود نداشته باشد نباید از تعهدات بیمه‌گر در مقابل ذی‌نفع کاست و زیان‌دیده را از مزایای قرارداد بیمه که به نفع وی منعقد شده محروم کرد، نظر به قرارداد بیمه الف. با شرکت پیمانکار اصلی (الف.) و تعهد شرکت بیمه تا میزان ۱,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و خرید کلوز پوشش بیمه‌ای دیه دوم مطابق ماده ۱۰ الحاقیه ۱۳۹۵/۰۳/۰۸ و تعهد شرکت بیمه به پوشش بیمه کارکنان شرکت پیمانکار فرعی و اینکه عدم اقدام بیمه‌گذار در اعلام وقوع حادثه و خسارت در مهلت صرف‌نظر از اعتقاد برخی به نسخ مرور زمان با توجه به کوتاهی بیمه‌گذار و ذینفعی خواهان نخستین به سبب حادثه و با توجه به قطع نخاع حادثه

دیده و بستری شدن طولانی ایشان و ناتوانی در حرکت و زمین‌گیری که عذر قانونی می‌باشد و مشمول بند ۱ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی بوده و با وجود این عذر به سبب حادثه موضوع بیمه، تعهد شرکت بیمه در پرداخت زیان به زیان‌دیده مورد بیمه ساقط نمی‌گردد و قاعده رعایت مهلت را با توجه به ایجاد تعهد و بقای آن را نمی‌توان بر این موضوع اعمال کرد و همچنین با اعمال قاعده نسبی شرکت بیمه د. تا نصف مبلغ متعهد به پرداخت بوده که مبلغ ۶۳۳,۳۳۳,۳۳۳ ریال در اجرای احکام کیفری پرداخت و دادگاه نخستین هم مبلغ ۲۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال را مورد حکم قرار داده است که میزان خسارت پرداختی و مورد حکم در جمع ۸۵۳,۳۳۳,۳۳۳ ریال بوده که تا میزان نصف مبلغ مورد تعهد ۹۶,۶۶۶,۶۶۷ ریال حکم بر بی‌حقی صادر شده است. بنابراین با تشخیص ورود تجدیدنظرخواهی و نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته در مورد شرکت بیمه د. تا میزان ۹۶,۶۶۶,۶۶۷ ریال و شرکت بیمه الف. همه مبلغ موضوع خواسته مستند به ماده ۳۵۸ و ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۲۳ قانون بیمه، حکم بر محکومیت شرکت بیمه الف. به پرداخت مبلغ ۳,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و شرکت بیمه ... مبلغ ۹۶,۶۶۶,۶۶۷ ریال بابت اصل خواسته و خسارات دادرسی و حق‌الوکاله وکیل و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ تقدیم دادخواست ۱۳۹۹/۰۶/۱۸ تا زمان پرداخت در حق تجدیدنظرخوانده صادر و اعلام می‌گردد و در مورد تجدیدنظرخواهی به طرفیت شرکت بیمه ... نسبت به مبلغ ۹۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال مازاد مورد حکم بر بی‌حقی دادگاه نظر به مراتب بیان شده و به لحاظ اعمال قاعده نسبی خسارت با لحاظ تعداد چهار نفر کارکنان و کاهش مسئولیت پرداخت یک دوم خسارت دادنامه در این قسمت به درستی صادر و تجدیدنظرخواه ایراد و اعتراض موجه و مؤثر و دلیلی که خللی به دادنامه صادره وارد نماید به دادگاه ابراز نکرده و از جهت رعایت اصول و تشریفات دادرسی نیز ایرادی وارد نیست، بنابراین تجدیدنظرخواهی را وارد ندانسته و با رد تجدیدنظرخواهی مستند به ذیل ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه تجدیدنظر خواسته نسبت به شرکت بیمه د. نسبت به مبلغ یاد شده تأیید و استوار می‌گردد. رأی دادگاه قطعی می‌باشد.

شعبه بیست و ششم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان

رئیس دادگاه؛ علیرضا شمس‌نیا

مستشار دادگاه؛ حسین جعفرزاده

آرای برگزیده دادسرای عمومی و انقلاب

۱- «رأی صادره از شعبه ۴ دادراری دادرسی عمومی و انقلاب لنجان»

شکات:

آقای ح.ه. ریزی فرزند ع. ۱-

۲- آقای ح.ط. فرزند ح.

مشتکی عنه:

آقای الف.ر. فرزند ب. به نشانی استان اصفهان ...

: اتهام‌ها

۱- تمرد-تمرد در برابر مأمور راهور در حین انجام

۲- ایراد صدمه بدنی غیر عمدی بر اثر تصادف رانندگی

۳- رانندگی بدون پروانه رسمی

۴- نگهداری/خفاء آلات و ادوات مخصوص تولید و استعمال مواد مخدر- مباشرت در نگهداری

۴۸ سانت مواد مخدر از نوع گراس

۵- اخلاف در نظم و آسایش عمومی

۶- توهین به اشخاص عادی

بسمه تعالی

به تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۶ در وقت فوق‌العاده جلسه شعبه چهارم دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان لنجان (زرین شهر) به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه پیوست تحت نظر قرار دارد. ملاحظه می‌گردد حسب گزارش انجام شده مبنی بر وقوع یک تصادف، مأمور راهور آقای ح.ه. فرزند ع. به محل اعزام و پس از حضور در محل و با رویت مدارک خودروهای حاضر و بررسی صحنه تصادف و ترسیم کروکی و با کسب اجازه از مالک خودروی مقصر حادثه آقای الف.ر. فرزند ب. از خودروی ایشان بازرسی و از داخل داشبورد میزان تقریبی ۴۸ سانت مواد مخدر از نوع گراس با لفافه کشف و متعاقباً حسب استعلام انجام شده از سیستم راهور مشخص می‌گردد نامبرده فاقد گواهینامه رانندگی با خودرو می‌باشد و مأمور راهور به آقای ر. اعلام می‌نماید خودرو می‌بایست به پارکینگ منتقل شود و نامبرده سوییچ خودرو را برداشته و مانع از این کار شده و ضمن تمرد از

دستور مأمور، شروع به سر و صدا و توهین و تهدید نسبت به ایشان نموده و با این اقدام موجب اختلال در نظم و عبور و مرور عمومی می‌گردد. همچنین نامبرده با آقای ح.ط. فرزند ح. (راننده خودروی حاضر در محل که با آن تصادف نموده است) هم بحث نموده و به ایشان هم توهین کرده و نهایتاً مأمور راهور به هر نحو ممکن خودروی ایشان را به پارکینگ منتقل می‌کند و نامبرده مجدداً در محل پارکینگ هم به مأمور راهور توهین و تهدید نموده و مأمور راهور هم ایشان را به آرامش دعوت و متعاقباً نسبت به تنظیم شکایت و تشکیل پرونده و ارسال آن به دادرسی اقدام می‌کند. پس از جری تشریفات قانونی پرونده توسط دادستان محترم به این شعبه ارجاع و دادرسی در بدو امر فوراً دستور رفع توقیف از وسیله نقلیه را صادر و با دعوت از شکات در این مرجع و پس از توصیه دادرسی شعبه به صلح و سازش، شکات محترم گذشت منجز و قطعی خود را به شرح لوایح مندرج در پرونده نسبت به متهم اعلام می‌نمایند. دادرسی با عنایت به مراتب فوق و جمیع اوراق و محتویات پرونده، ضمن اعلام ختم تحقیقات و کفایت آن و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان به شرح ذیل مبادرت به صدور قرار نهایی می‌نماید.

با سلام و احترام

در خصوص اتهام آقای الف.ر. فرزند ب.، ۳۹ ساله، مجرد، ایرانی، اهل و مقیم لنجان و فاقد سابقه کیفری اعم از مؤثر و غیر مؤثر دایر بر ۱- مباشرت در نگهداری ۴۸ سانت مواد مخدر از نوع گراس و ۲- تمرد در برابر مأمور راهور در حین انجام و ۳- اختلال در نظم و آسایش و عبور و مرور عمومی موضوع گزارش مرجع انتظامی پرونده در مسیر تحقیقات قرار گرفت. نظر به محتویات پرونده، اولاً به تصریح ماده ۱۳۷ از قانون آیین دادرسی کیفری تفتیش و بازرسی از اشیاء از جمله خودروی شهروندان حتی در مواردی که حسب قرائن و امارات ظن قوی به کشف آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد باید با دستور مقام قضایی و با قید جهات ظن قوی انجام شود و در نتیجه ضابطان نمی‌توانند به صورت خودسرانه و به بهانه مشکوک شدن، مبادرت به بازرسی از خودروی شهروندان نمایند و هر چند تفتیش خودرو پس از درخواست ضابطان با رضایت مالک صورت گرفته است اما از آنجا که این رضایت یا از روی ترس یا ناآگاهی یا اضطراب مالک حاصل شده است در حکم عدم رضایت است؛ چرا که در جامعه‌ای که این رویه غیرقانونی آنقدر مرسوم و متداول است که حتی خود ضابطان و مقامات قضایی هم از غیرقانونی بودن آن بی‌اطلاع می‌باشند قطعاً شهروندان عادی نیز از این امر بی‌اطلاع بوده و در برابر درخواست مأموران جهت بازرسی خودرو یا از روی ناآگاهی

یا ترس از متمرّد محسوب شدن یا اضطراب به جهت جلوگیری از عواقب بعدی تن به این خواسته غیرقانونی ضابطان می‌دهند و همچنین به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "تعرض به اموال و حریم خصوصی اشخاص فقط در حدود مجوزهای قانونی امکان‌پذیر است" و بدیهی است اقدام ضابطان در این پرونده بدون مجوز قانونی بوده است و این توجیه و استدلال که اگر ضابطان بدین شکل عمل نکنند هیچ جرمی کشف نمی‌شود و حقوق جامعه به خوبی صیانت نمی‌گردد آشکارا مردود است؛ چرا که به تصریح اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "هیچ مقامی حق ندارد به نام استقلال و تمامیت ارضی کشور و حتی به بهانه کشف جرم، آزادی‌های مشروع ملت را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند" و در نهایت به موجب ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شده باشد؛ فلذا در این پرونده، گزارش مربوطه که تنها دلیل وقوع جرم است فاقد اعتبار و کان لم یکن تلقی می‌گردد و ثانیاً مطابق اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند و مطابق "ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸" هر کس دارای حق مالکیت است و مالکیت هیچ کس را نمی‌توان برخلاف قانون از وی سلب کرد و همچنین مطابق بند الف ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر اسلامی ۱۳۶۹ "هر انسانی می‌تواند از حق مالکیت به گونه‌ای که به خود یا دیگران یا جامعه ضرر نرساند برخوردار باشد و نمی‌توان مالکیت را از کسی سلب نمود" به علاوه مطابق بند ب همان ماده "مصادره اموال و ضبط آن ممنوع است مگر بر طبق شرع" و همچنین وفق بند ب ماده ۲۲ همان اعلامیه "هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند. لذا علاوه بر اسناد بین‌المللی در قوانین داخلی از جمله قانون اساسی به دو مقوله مهم "امر به معروف و نهی از منکر و ممنوعیت تعرض با اموال مردم" اشاره شده است و قانون اساسی نهی از منکر مردم را در برابر مسئولین نه تنها به رسمیت شناخته است بلکه به عنوان وظیفه آحاد مردم دانسته و همچنین تعرض به اموال مردم را هم ممنوع اعلام نموده است. بدیهی است که نهی از منکر صرفاً در خصوص رفتارهایی که نسبت به اشخاص ثالث صورت می‌گیرد جاری نمی‌باشد بلکه نهی از منکر نسبت به رفتار ناپسندی که سایرین نسبت به خود ناهی انجام می‌دهند نیز موضوعیت دارد و اعتراض به رفتار مأمورین حکومتی از جمله مأمور راهور می‌تواند در زمره مصادیق نهی از منکر باشد. همچنین سلب مالکیت و تعرض به آن می‌تواند همچون ضبط و مصادره‌ی اموال،

کلی باشد و می‌تواند همچون توقیف اموال در مدت مشخص، جزئی و برای اندک زمانی باشد؛ چرا که از مصادیق و مظاهر حق مالکیت، حق استعمال اموال می‌باشد و ایجاد مانع برای استفاده از مال به نوعی تعرض به مالکیت می‌باشد. لذا توقیف خودرو و انتقال آن به پارکینگ اصولاً غیرقانونی محسوب می‌شود مگر اینکه وفق مقررات و تحت ضوابط صورت پذیرد و مطابق ماده ۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی "مأموران راهنمایی و رانندگی به جز در موارد مصرح قانونی و موارد تصادفات منجر به جرح و قتل مجاز به توقیف وسیله نقلیه موتوری نمی‌باشند." همچنین وفق بند ج ماده ۱۰ قانون مذکور "در صورتی که راننده بدون داشتن گواهینامه مبادرت به رانندگی نماید وسیله نقلیه (متوقف) و راننده به مرجع قضایی معرفی می‌گردد." با عنایت به مستندات بند قبلی، ماده ۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی نیز تأکید بر عدم توقیف وسیله نقلیه موتوری از جمله خودرو نموده است و در ماده ۱۰ این قانون برخی از مصادیق توقیف و توقف وسایل نقلیه ذکر شده است و مطابق بند ج ماده مذکور ضمانت اجرای رانندگی بدون داشتن گواهینامه، علاوه بر ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) صرفاً "توقف" وسیله نقلیه می‌باشد. بدیهی است بین توقیف و توقف فرق بسیار است. توقف کوتاه مدت و جهت اعمال قانون است لیکن توقیف بلند مدت و علاوه بر اعمال قانون به جهت دیگری همچون حفظ ادله جرم و آثار باقیمانده و ... می‌باشد. لذا مأمور راهور حق انتقال وسیله نقلیه به پارکینگ را نداشته و صرفاً می‌بایست ضمن معرفی راننده به مراجع قضایی به جهت ارتکاب جرم رانندگی بدون گواهینامه خودرو را تا حضور مالک یا شخص مأذون از طرف وی متوقف نماید و در خصوص بزه تمرد در برابر مأمورین دولتی نیز باید گفت وفق ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) حمله و مقاومت نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه تمرد محسوب می‌گردد. مسأله اساسی این است که چنانچه مأمورین از قواعد و مقررات تخطی نمودند و خلاف قوانین جاری قصد انجام عملی را داشتند و مردم در برابر رفتار آنها مقاومت نمودند آیا این اقدام تمرد محسوب می‌شود؟ به نظر می‌رسد در چنین حالتی عدم انجام دستور مأمور دولت و عدم همکاری با ایشان و مقاومت در برابر رفتار غیرقانونی مأمورین تمرد محسوب نمی‌گردد و نمی‌توان از اشخاص انتظار داشت در برابر رفتار غیرقانونی سکوت نمایند و حال آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی نه تنها احاد مردم را به نهی از منکر دعوت نموده بلکه آنها را مکلف به نهی از منکر نموده است و از جمله مصادیق نهی از منکر، نهی مأمورین از انجام رفتار خلاف قانون می‌باشد و البته بدیهی است نهی از منکر نبایستی موجب ضرر بزرگتری از ضرر

منکر گردد و رفتار متهم در برابر مأمور راهور نیز به نظر این دادیاری تحت عنوان نهی از منکر قابل بررسی می‌باشد و متهم در وضعیتی قرار گرفته است که مأمور بدون دلیل قانونی قصد توقیف خودرو و انتقال آن به پارکینگ را داشته است و در اثر این اقدام مأمور، مالکیت متهم بر مال خود مخدوش شده و ایشان برای مدتی از حق استعمال آن محروم می‌شدند و حرمت مال ایشان از بین رفت؛ لذا رفتار ایشان در برابر مأمور و مانع شدن از انتقال خودرو به پارکینگ ولو با برداشتن سویچ و مقاومت در برابر مأمورین نوعی نهی از منکر محسوب می‌شود و نمی‌توان از مردم انتظار داشت با مأمورین دولتی در یک رفتار غیرقانونی علیه خود همکاری نمایند و ضمانت اجرای عدم همکاری در امر غیرقانونی را تحت پیگرد قرار گرفتن به جهت تمرد از مأمورین اعلام نمود! و به نظر این دادیاری مقاومت در برابر رفتار غیرقانونی مأمورین به میزانی که متهم انجام داده است موجه می‌باشد و ثالثاً در خصوص بزه اخلال در نظم و آسایش و عبور و مرور عمومی که مأمور راهور در گزارش اولیه به آن اشاره نموده است نیز باید بیان داشت تصاویر دوربین مدار بسته محل حاکی از این است که خودروی متهم در کنار خیابان متوقف شده است و سایر خودروها به سهولت در حال عبور و مرور در مسیر می‌باشند و رفتار متهم مبنی بر برداشتن سویچ با توجه به اینکه خودرو در کنار خیابان پارک شده است هیچ اخلاقی در تردد خودروها و نظم عمومی ایجاد ننموده است و هدف قانونگذار از وضع ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) برخورد با هرگونه اقدام در مکان عمومی نبوده و مقید بودن بزه مذکور به نتایج مندرج در ماده مذکور و نظریات مشورتی متعدد اداره حقوقی قوه قضاییه هم مؤید این امر است؛ به علاوه جرم دانستن چنین رفتارهایی به نظر موجب انسداد باب دادخواهی و حتی انتقاد به مأمورین دولت که در حقیقت خادمین ملت هستند، می‌گردد و نهایتاً نظر به اینکه در موضوع مطروحه کافی نبودن دلیل برای اثبات جرم و فقدان عناصر تشکیل دهنده بزه باعث ایجاد تردید در بزهکاری متهم شده است؛ بنابراین شک نیز به نفع ایشان تفسیر می‌گردد. علی‌الهذا این دادیاری بنابر مراتب فوق و استدلالات مذکور ضمن عدم احراز وقوع بزه و با توجه به حاکمیت اصل رفیع براءت و قاعده فاخر درء به استناد اصل ۳۷ از قانون اساسی و ماده ۱۲۰ از قانون مجازات اسلامی و مواد ۴ و ۲۶۵ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌نماید. در خصوص اتهام دیگر متهم فوق‌الذکر دایر بر ۱- بی‌احتیاطی در امر رانندگی منتهی به ایراد صدمه بدنی غیرعمدی و ۲- توهین به اشخاص عادی موضوع شکایت آقای ح.ط. فرزندان ح. و در خصوص اتهامات دیگر متهم فوق‌الذکر دایر بر

۱- دو مرتبه تهدید و ۲- دو مرتبه توهین به مأمور دولت در حین انجام وظیفه موضوع شکایت آقای ح.ه. فرزندی. پرونده در مسیر تحقیقات قرار گرفت. صرف نظر از صحت یا سقم موضوع، با توجه به اینکه شکات اعلام گذشت منجز و قطعی خود را بشرح لوایح مندرج در پرونده اعلام نموده‌اند و بزه‌های مذکور مستند به ماده ۱۰۴ از قانون مجازات اسلامی قابل گذشت می‌باشند؛ فلذا این دادیاری مستند به بند ب ماده ۱۳ و ماده ۲۶۵ از قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می‌نماید. در خصوص اتهام دیگر متهم فوق‌الذکر دایر بر رانندگی با خودرو بدون داشتن گواهینامه برای بار اول موضوع گزارش مرجع انتظامی پرونده در مسیر تحقیقات قرار گرفت. نظر به اینکه بزه موضوع ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) درجه ۸ می‌باشد و مستند به بند ۵ ماده ۱۵ از قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۰۷/۲۷ رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی را موجب "مجازات انتظامی درجه ۴ تا ۷" دانسته است؛ لهذا این دادیاری مستند به ماده ۳۴۰ از قانون آیین دادرسی کیفری قرار عدم صلاحیت ذاتی به شایستگی و صلاحیت محاکم محترم کیفری دو شهرستان لنجان صادر و اعلام می‌نماید. (در خصوص ضبط مواد مکشوفه از متهم مستند به تبصره ۱ ماده ۱۴۸ از قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه محترم در این خصوص تعیین تکلیف می‌نماید). قرارهای عدم صلاحیت و منع تعقیب صادره (مستند به بند الف ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری به دلیل نداشتن شاکی خصوصی) پس از تأیید دادستان محترم قطعی است و قرار موقوفی تعقیب صادره پس از تأیید آن مقام محترم مستند به مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ از قانون اخیرالذکر ظرف مهلت ۱۰ روز پس از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض از سوی شکات در محاکم محترم کیفری دو شهرستان لنجان می‌باشد.

دادیار شعبه چهارم دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب لنجان - ابوالفضل رفیعی

۲- «رای صادره از شعبه دادرسی دادرسی عمومی و انقلاب دهقان»

شاکی: خانم ه.ص. فرزند م.

مشکی عنه: ن. به نشانی - - - سمیرم ... ، طبقه همکف با نمایندگی آقای م.م. فرزند م. و آقای ح.الف. فرزند ف.

اتهام: ایراد صدمه بدنی غیر عمدی بر اثر حوادث کار

باسمه تعالی

به تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۸ در وقت فوق العاده، جلسه رسیدگی شعبه دادرسی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان دهقان به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است، پرونده کلاسه ... تحت نظر قرار دارد. با توجه به تحقیقات صورت گرفته و بررسی اوراق پرونده، دادرسی ضمن اعلام ختم و کفایت تحقیقات با استعانت از خداوند متعال و با تکیه بر شرف و وجدان به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

گردش کار: شاکی به عنوان کارگر شرکت ن.، مشغول به فعالیت برش کاهو با چاقو بوده است که به مرور زمان، فعالیت مزبور موجب درد دست وی و آسیب به تاندون دست (به شرح گواهی پزشکی قانونی) می شود که متعاقباً، شکایت ایراد صدمه بدنی غیر عمدی بر اثر حوادث کار را مطرح کرده ولیکن در جریان تحقیقات مشخص گردید، که حادثه ای در کار نبوده و عارضه ی پیش آمده، بیماری ناشی از کار تلقی می گردد. همچنین شرکت فوق به عنوان کارفرما، مرتکب تخلف از ماده ۹۲ قانون کار شده است.

«قرار جلب به دادرسی و منع تعقیب»

دادستان و رئیس محترم دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان دهقان

در خصوص اتهام شرکت ن. (که در شکواییه به اشتباه شرکت ن. نیز نوشته شده است)، با نمایندگی آقای م.م. فرزند م. دائر بر: ۱- تسبیب در ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بیماری شغلی (که در شکواییه، ایراد صدمه بدنی غیر عمدی بر اثر حوادث کار درج شده است) موضوع شکایت خانم ه.ص. فرزند م. و ۲- عدم انجام معاینات و آزمایش های لازم پزشکی نسبت به کارگر شاغل در آن،

پرونده در مسیر تحقیقات قرار گرفت، نظر به محتویات پرونده و با عنایت به دلایل حاصله بدین شرح:

۱. شکایت شاکی ۲. گزارش ضابطین ۳. شهادت شاهد/شهود ۴. نظریه پزشکی قانونی ۵. گزارش‌های اداره کار ۶. اقرار نماینده متهم در خصوص عدم انجام معاینات پزشکی.

با این توضیح که شاکی در شکواییه خود از حادثه‌ی ناشی از کار صحبت کرده است، در صورتی‌که حادثه، امری است غیر قابل پیش‌بینی که در لحظه رخ می‌دهد، ولیکن، بیماری ناشی از کار، یک امر تدریجی است که به مرور زمان، در اثر فعالیت در کارگاه و به واسطه عوامل مختلف انسانی، محیطی و شرایط کارگاهی ایجاد می‌گردد، لذا آسیب وارده به شاکی را نمی‌توان حادثه تلقی کرد و بایستی آن را در زمره‌ی بیماری‌های ناشی از کار به شمار آورد، چه اینکه قانونگذار در بندهای ۷ و ۸ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴، بیماری و حادثه را از هم تفکیک کرده و حادثه را «اتفاقی پیش‌بینی نشده که تحت تأثیر عامل خارجی در اثر عمل یا اتفاق ناگهانی رخ می‌دهد و موجب صدمه می‌شود معرفی کرده است»؛ همچنین بندهای الف و ب از ماده ۱ سند الحاقی ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) قانون تصویب مقاوله‌نامه ایمنی و بهداشت شغلی ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) (شماره ۱۵۵) و سند الحاقی (پروتکل) ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) مقاوله‌نامه ایمنی و بهداشت شغلی، مصوب ۱۴۰۰/۰۸/۱۲ مجلس شورای اسلامی، بیماری ناشی از کار (بیماری شغلی) را اینگونه تعریف می‌کند: «شامل هر نوع بیماری است که در نتیجه‌ی قرار گرفتن در معرض عوامل خطرناک ناشی از فعالیت کاری ایجاد می‌شود.» و آیین‌نامه اجرایی قانون فوق مصوب ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ هیأت وزیران نیز، بیماری ناشی از کار را «هرگونه اختلال جسمی و یا روانی ناشی از کار که در نتیجه‌ی مواجهه با عوامل زیان‌آور موجود در محیط کار ایجاد و یا تشدید می‌شود» معرفی می‌کند و با مراجعه به متن اصلی سند الحاقی مذکور در فوق، مشاهده می‌شود که برای حوادث شغلی، عبارت Occupational accident و برای بیماری شغلی، عبارت Occupational disease را به کار برده که تفاوت این دو آشکار است.

حال به موجب ماده ۹۲ قانون کار، کارفرما بایستی برای شاغلان در کارگاه که به اقتضای نوع کار در معرض بروز بیماری‌های ناشی از کار قرار دارند، پرونده پزشکی تشکیل دهد و حداقل سالی یک بار توسط مراکز بهداشتی درمانی از آن‌ها معاینه و آزمایش‌های لازم را به عمل آورد و مطابق تبصره ۱ ماده مذکور در فوق، چنانچه فرد معاینه شده به بیماری ناشی از کار مبتلا یا در معرض ابتلا باشد، کارفرما و مسئولان مربوطه مکلفند کار او را بر اساس نظریه شورای پزشکی، در قسمت مناسب

دیگری تعیین نمایند. همچنین ذیل بند ۲ از شق الف از تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی به صراحت بیان می‌دارد که: «کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی مکلفند... نسبت به انجام معاینات دوره‌ای بیمه‌شدگان که حداقل در هر سال نباید کمتر از یک بار باشد، به منظور آگاهی از روند سلامتی و تشخیص به هنگام بیماری و پیشگیری از فرسایش جسمی و روحی اقدام نمایند. لذا تقصیر شرکت در اهمال در رسیدگی به وضعیت جسمانی و توانایی‌های شاکی محرز است. شایان ذکر است گرچه ماده ۱۷۱ قانون کار بیان می‌دارد که: «در صورتی که تخلف از انجام تکالیف قانونی سبب وقوع حادثه‌ای گردد که منجر به عوارضی مانند نقص عضو و یا فوت کارگر شود، دادگاه مکلف است علاوه بر مجازات‌های مندرج در این فصل، نسبت به این موارد طبق قانون تعیین تکلیف نماید.» لکن قید عبارت «حادثه‌ای» بدان معنا نیست که بیماری ناشی از کار را به طور کامل از حمایت مقررات کیفری، خارج بدانیم؛ لذا چنانچه ابتلای به بیماری ناشی از کار به سبب عدم رعایت مقررات قانون کار (در مانحن فیه، عدم انجام معاینات پزشکی دوره‌ای) و به طور کلی ناشی از تقصیر شرکت باشد، پس از احراز رابطه سببیت بین تقصیر مزبور و بیماری کارگر، وفق عمومات قانون مجازات اسلامی، می‌توان مقصر را به پرداخت ارش (مندرج در گواهی پزشکی قانونی) محکوم کرد. لذا بزه انتسابی محرز بوده و باتوجه به انطباق موضوع مانحن فیه با تبصره ماده ۱۴ و بند پ ماده ۲۹۱ و مواد ۴۴۹ و ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و مواد ۹۲ و ۱۷۵ قانون کار مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات بعدی و همچنین مستند به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی قرار جلب به دادرسی متهم صادر و اعلام می‌گردد. قرار صادره حضوری و قطعی است و در خصوص گزارش اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی دهقان علیه شرکت ن. با نمایندگی آقای م.م.، دایر بر: سپردن کار سخت به کارگر زن (موضوع ماده ۷۵ قانون کار)، نظر به اینکه حسب ذیل ماده اخیرالذکر، دستورالعمل و تعیین نوع کار سخت باید با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار برسد؛ لکن تا کنون چنین امری به طور مشخص ناظر به ماده ۷۵ قانون کار، تصویب نشده است اما اینگونه نیست که در سایر مقررات، بدین مهم پرداخته نشده باشد، چه اینکه در ماده ۸۳ همان قانون، ارجاع کار سخت به کارگر نوجوان، ممنوع اعلام شده است اما در خصوص نوع و میزان و چگونگی تشخیص کار سخت، صحبتی نکرده است؛ لذا از انجایی که تفسیر قضایی از قوانین در مقام تمییز حق (اصل ۷۳ قانون اساسی) از شؤون قضایی است و نظر به اینکه قضایی نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص قوانین، از رسیدگی به دعوا امتناع ورزد (اصل ۱۶۷ قانون اساسی)

لذا به اداره کار اعلام شد که تعیین مشاغل سخت بایستی بر اساس «آیین‌نامه اجرایی بند ۵ جزء ب ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶» مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۶ هیأت وزیران باشد؛ لکن از آنجایی که به موجب ماده ۲ آیین‌نامه مذکور، تعیین مشاغل سخت در هر کارگاه، باید با انجام بازدید و بررسی شرایط کار توسط کارشناسان بهداشت حرفه‌ای وزارت بهداشت و بازرسان کار وزارت کار و با تأیید کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر استانی انجام شود، لکن تاکنون چنین اقدامی انجام نشده است و بنابراین، نظر به فقدان ادله کافی جهت احراز جرم و مستند به قاعده‌ی عقلی قبح عقاب بلاییان و اصل برائت و مستند به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قرار منع تعقیب متهم صادر و اعلام می‌گردد. قرار صادره حضوری و به لحاظ فقد شاکی خصوصی قطعی است.

دفتر، مقرر است پرونده برگ شماری، در اجرای ماده ۹۲ قانون اخیرالذکر امروز به نظر دادستان محترم برسد، در صورت موافقت و پس از تنظیم کیفرخواست به دادگاه کیفری ۲ دهقان ارسال گردد.

شعبه دادرسی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان دهقان - حمیدرضا مقدسین

۳- «رأی صادره از شعبه ۳ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان»

شاکي:

اداره کل بازرسی استان اصفهان به نشانی استان ... با نمایندگی آقای ع.ک. فرزند ح. و آقای ف.ح. فرزند الف.

مشتکی عنهم:

۱- آقای م.خ. فرزند س. با وکالت آقای م.الف. فرزند ف. به نشانی استان اصفهان ...
 ۲- آقای م.ح. فرزند ع. ۳. آقای ن.د. فرزند م. ۴. آقای ر.س. فرزند ص. ۵. آقای ن.م. فرزند ح. ۶. آقای ک.ع. فرزند م. ۷. آقای الف.ق. فرزند م. با وکالت آقای س.ر. فرزند ع. به نشانی استان اصفهان ...
 ۸. آقای س.خ. فرزند م. ۹. آقای الف.خ. فرزند س. با وکالت آقای ف.الف. فرزند ف. به نشانی استان ...

اتهام: مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری برخلاف مقررات ماده یک لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت و معاهدات دولتی

بسمه تعالی

به تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۳ در وقت فوق العاده، جلسه رسیدگی شعبه ۳ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اصفهان- ویژه جرایم کارکنان دولت (مجمع ۱) به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است، پرونده کلاسه ۱۴۰۲۰۹۹۲۰۰۸۸۴۶۶۴۳ تحت نظر قرار دارد. با توجه به تحقیقات صورت گرفته و بررسی اوراق پرونده، بازپرسی ضمن اعلام ختم و کفایت تحقیقات با استعانت از خداوند متعال و با تکیه بر شرف و وجدان به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

«قرار منع تعقیب»

در خصوص شکایت: اداره کل بازرسی استان اصفهان، علیه: آقایان ر.س. فرزند ص.، الف.خ. فرزند س.، ک.ع. فرزند م.، م.خ. فرزند س.، الف.ق. فرزند م.، ن.د. فرزند م.، م.ح. فرزند ع.، س.خ. فرزند م.، ن.م. فرزند ح.، دایر بر: مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری برخلاف مقررات ماده یک لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی،

بدین شرح که حسب گزارش سازمان بازرسی: با بررسی به عمل آمده ملاحظه گردید آقای س.خ. که دارای سمت رئیس اداره نگهداری و پشتیبانی سیار (BSS) شرکت مخابرات منطقه اصفهان می‌باشد، دارای پنج درصد سهام شرکت فنی و مهندسی ب. بوده که شرکت مزبور مطابق با جدول شماره یک در طی سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ بالغ بر بیش از ۴۳ میلیارد ریال با شرکت مخابرات منطقه اصفهان قرارداد منعقد نموده است. لذا با عنایت به اینکه آقای م.خ. دارای سمت رئیس واحد نگهداری و پشتیبانی سیار (BSS) شرکت مخابرات منطقه اصفهان می‌باشد و شرکت مخابرات با شرکت ب. که پنج درصد از سهام آن متعلق به نام‌برده می‌باشد، قرارداد منعقد نموده، لذا وفق بند هشت ماده یک قانون منع مداخله معاملات انجام شده فی‌مابین دو شرکت مشمول قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری می‌باشد. همچنین تبصره یک ماده یک قانون موصوف اعلام می‌دارد پدر و مادر و برادر و خواهر و زن یا شوهر و اولاد بلافصل و عروس و داماد اشخاص مندرج در این قانون و همچنین شرکت‌ها و مؤسساتی که اقربا فوق‌الذکر به نحو مندرج در بند هفت و هشت در آن سهام یا دارای سمت باشند نمی‌توانند با وزارتخانه‌ها و یا بانک‌ها و یا شهرداری‌ها و یا سایر مؤسسات مذکور در این قانون که این اشخاص در آن سمت وزارت یا معاونت یا مدیریت دارند وارد معامله یا داوری شوند. در این خصوص حسب بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که آقایان س.خ. و الف.خ. و خانم الف.خ. در سنوات گذشته در شرکت ب. تحت عناوین مدیریت عامل عضو هیئت مدیره بازرسی و ... عضویت داشته که مطابق با جدول شماره دو این افراد دارای نسبت نسبی با آقای م.خ. هستند. لذا با عنایت به اینکه آقای م.خ. دارای سمت رئیس واحد نگهداری و پشتیبانی سیار (BSS) شرکت مخابرات منطقه اصفهان می‌باشد و شرکت مخابرات با شرکت ب. که اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل آن پدر برادر و خواهر نام‌برده می‌باشند، قرارداد منعقد نموده است لذا وفق تبصره یک ماده یک قانون اشاره شده معاملات انجام شده مابین دو شرکت مشمول قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری می‌باشد.

پرونده در مسیر تحقیقات قرار گرفت، نظر به اینکه: حسب ماده یک قانون راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷ یکی از شرایط تحقق بزه انجام معاملات یا داوری در دعاوی فی‌مابین الف- اشخاص مندرج در بندهای ۱ الی ۷ با ب- (۱) دولت یا (۲) مجلسین یا (۳) شهرداری‌ها یا (۴) دستگاه‌های وابسته به آن‌ها و یا (۵) مؤسسات مذکور

در بند ۴ و ۶ این ماده می‌باشد. در مانحن فیه سازمان بازرسی مدعی وقوع معاملات فی مابین احدی از اشخاص مندرج در بندهای ۱ الی ۷ با شرکت مخابرات ایران می‌باشد. لذا قاعداً حسب صراحت ماده؛ شرکت مخابرات ایران به عنوان یک طرف قرارداد باید جزء یکی از اشخاص گروه «ب» صدرالذکر باشد تا بتوان معاملات با آن را مشمول ممنوعیت قانون دانست. شرکت مخابرات ایران به موجب قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۲۹ تشکیل و با عنایت به ماده ۵۸۷ قانون تجارت از تاریخ ایجاد واجد شخصیت حقوقی گردیده و در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و به موجب ماده ۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تصویب‌نامه هیأت وزیران به شماره ۲۸۶۲۷/ت/۳۹۷۶۰ مورخ ۱۳۸۷/۰۲/۲۹ به شرکت سهامی عام تبدیل گردیده است و شرکت دولتی تلقی نمی‌گردد. بنابراین از شمول دولت و مؤسسات وابسته به دولت خارج می‌باشد. در مورد قسمت پنجم یعنی: مؤسسات مذکور در بند ۴ و ۶ ماده یک؛ در بند ۴ به مؤسساتی که اکثریت سهام یا اکثریت منافع یا مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت یا شهرداری‌ها و یا دستگاه‌های وابسته باشد اشاره شده است و در بند ۶ نیز به بنگاه‌های خیریه‌ای که از دولت یا از شهرداری‌ها کمک مستمر دریافت می‌کنند اشاره شده است. بنابراین اولاً: با توجه به عبارت صریح: «مؤسسات مذکور در بند ۴ و ۶ این ماده» این قسمت از ماده صراحتاً به مؤسسات اشاره نموده است و صرف‌نظر از اینکه شرکت مخابرات، اکثریت منافع یا مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت باشد یا خیر با عنایت به اینکه مخابرات در قالب شرکت تشکیل شده است از شمول تعرف مؤسسه خارج می‌باشد. (وفق ماده یک آئین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مؤسسات، کلیه تشکیلاتی را شامل می‌شود که برای مقاصد غیرتجاری از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود) و با توجه به تفسیر مضیق قوانین کیفری به نفع متهم نمی‌توان عبارت شرکت‌ها را نیز در کنار مؤسسات الحاق نمود و توجهاً به بندهای هفت گانه علیرغم اینکه قانون‌گذار به تمایز شرکت و مؤسسه واقف بوده است اما ذیل ماده یک به شرکت اشاره ننموده است. لذا حتی اگر مستنبط از بندهای «الف» و «و» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۰۹/۱۹ و ماده ۱۷ پروانه فعالیت شرکت مخابرات ایران، شرکت مخابرات را جزء شرکت‌هایی بدانیم که مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت باشد، نتیجه آن می‌شود که شرکت مخابرات ایران جزء اشخاص مندرج در بند ۴ ماده یک قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در

معاملات دولتی و کشوری محسوب می‌گردد و به هیچ وجه در این قانون ممنوعیتی در خصوص معاملات فی مابین اشخاص بندهای هفت گانه ایجاد نکرده است و بر فرض مثال معامله بین دو کارمند دولت که هر دو مشمول بند سوم هستند ممنوعیتی ندارد. دوم اینکه: دولت معمولاً در شرکت‌ها و مؤسساتی اعمال مدیریت یا نظارت می‌نماید که در آنجا دارای سرمایه یا سهام باشد و دولت این اعمال مدیریت و نظارت را از طریق نمایندگان خود در این شرکت‌ها که نمایندگی قانونی سهام دولت را دارند اعمال می‌کند. بنابراین در خصوص کارکنان موضوع بند ۴ ماده اول باید قائل به این شد که صرفاً کارکنان واحدهایی که مدیریت یا اداره یا نظارت آن‌ها با دولت یا شهرداری‌ها یا دستگاه‌های وابسته به آن‌ها می‌باشد، مشمول این ممنوعیت هستند و تفسیر مضیق قوانین کیفری ایجاب می‌کند که دایره شمول نظارت دولت بر واحدهای موضوع بند ۴ ماده اول باید محدود به مواردی شود دولت به منظور تأمین منافع خود و به صورت مشخص و معین و مستقیم به اعمال نظارت بر این واحدها می‌پردازد و هرچند دولت از باب اعمال حاکمیت نیز اقدام به کنترل و نظارت می‌نماید اما چنین نظارتی منظور قانونگذار نمی‌باشد چرا که حوزه نظارتی دولت بسیار وسیع و اشخاص متعددی را در بر می‌گیرد. ضمن اینکه در خصوص بند «و» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و اشاره به وظایف آن وزارت مبنی بر: نظارت کلان بر فعالیت‌های بخش غیردولتی در امور مربوط به مخابرات و...؛ صرف‌نظر از اینکه در زمان تصویب قانون (۱۳۸۲) شرکت مخابرات یک شرکت دولتی و جزء بخش دولتی محسوب می‌گردد در حالی که در بند مذکور به بخش غیردولتی اشاره شده است؛ علی‌ایحال استفاده از عبارت نظارت کلان که از منظر پیامدهای کلان به موضوع می‌پردازد، در مقابل نظارت خرد که امنیت و سلامت مؤسسات را صورت منفرد مدنظر قرار می‌دهد؛ بیانگر نقش وزارت ارتباطات به عنوان بخشی از دولت در اعمال حاکمیت می‌باشد. بنابر استدلال مذکور آقای م.خ. از شمول تعریف کارکنان مذکور در بند ۴ ماده اول خارج می‌باشد و بالتبع شرکت ب. نیز از شمول بند ۷ ماده اول خارج می‌گردد. سوم اینکه: در خصوص گزارش سازمان بازرسی مبنی بر اینکه آقای م.خ. دارای سمت «رئیس اداره نگهداری و پشتیبانی سیار شرکت مخابرات منطقه اصفهان» می‌باشد؛ بنابراین برادر و پدر وی نیز مشمول ممنوعیت مندرج در قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری می‌باشند باید بیان نمود: در تبصره یک ماده یک قانون مذکور به پدر و مادر و برادر و خواهر و زن یا شوهر و اولاد بلافصل و عروس و داماد اشخاصی اشاره شده است که دارای سمت وزارت

یا معاونت یا مدیریت دارند. و تبصره ۲ ماده ۶۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ نیز به تعریف مدیریت پرداخته است. بنابراین اشخاص که دارای سمت ریاست قسمتی از دستگاه از قبیل رئیس حقوقی، برنامه‌ریزی-اداری مالی و غیره را دارند؛ به استناد اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری از شمول ممنوعیت مذکور در ماده خارج می‌باشند. چنانچه نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۱۶۸۹/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۷ نیز مؤید این امر می‌باشد. لذا به جهت فقدان ادله کافی برای احراز جرم و حاکمیت اصل کلی براءت مستنداً به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی قرار منع تعقیب متهم صادر و اعلام می‌گردد؛ قرار صادره به موجب بند الف ماده ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون مارالذکر ظرف مهلت ده روز از تاریخ ابلاغ به تقاضای شاکی قابل اعتراض در دادگاه کیفری دو شهرستان اصفهان است.

دفتر، مقرر است پرونده برگ‌شماری، در اجرای ماده ۹۲، ۲۶۷ قانون اخیرالذکر امروز به نظر دادستان محترم برسد؛ در صورت موافقت دادستان محترم به طرفین ابلاغ، پس از مضمی مدّت قانونی و قطعیت قرار از آمار کسر و بایگانی شود؛ در صورت اعتراض به قرار از سوی شاکی جهت رسیدگی با حفظ بدل به مرجع صالح ارسال گردد.

شعبه ۳ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان اصفهان- ویژه جرایم کارکنان دولت
امیرحسین نقوی

آرای برتر دادگاه های کیفری

۱- «رأی صادره از شعبه ۱۰۲ کیفری دو مبارکه»

شکات: ۱- آقای ر.ج. فرزند الف. ۲. آقای غ.م. ۳. آقای ع.ج. فرزند الف. ۴. آقای م.ج. فرزند م. با وکالت آقای ح.پ. مقدم فرزند الف. به نشانی استان ...
 متهم: آقای س.م. فرزند ح. با وکالت آقای ن.الف. فرزند ع. به نشانی استان ... و آقای س.ط. فرزند س. به نشانی .. و آقای الف.ح. فرزند ر. به نشانی استان ... و آقای ح.ع. فرزند الف. به نشانی ...
 اتهام: قتل غیر عمدی (در حکم خطای محض)

بسمه تعالی

گردشکار: با عنایت در جمیع اوراق و محتویات پرونده، با اعلام ختم رسیدگی و دادرسی با استعانت از خداوند متعال به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای س.م. فرزند ح. شماره ملی ... فاقد سابقه مؤثر کیفری با وکالت آقایان س.ط. و ح.ع.، مبنی بر تقصیر (مبتنی بر عدم رعایت نظامات دولتی مقرر در قانون کار)، متهمی به تسبیب در قتل شبه عمدی مرحوم م.ج. فرزند م.، با میزان تقصیر پنجاه درصد، موضوع کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان مبارکه، با ذکر این مقدمه که با ابتدای بر قدر متیقن اظهارات طرفین و مستنبط از مستندات ایشان، ماوقع مجرمانه به روایت هیأت کارشناسان در این پرونده حکایت از این واقعه ناگوار دارد که: متهم پرونده به هویت آقای س.م. ۱۰ هکتار زمین کشاورزی را از آقای الف.چ. واقع در روستای ... جهت دایر نمودن گلخانه سستی به مدت پنج سال اجاره نموده و بخشی از آن را طی قراردادی به مرحوم م.ج. به عنوان عامل واگذار می‌نماید که متهم مدعی است قرارداد مذکور میان ایشان و مقتول به صورت مکتوب و در دو نسخه تنظیم که نسخه مربوط به مقتول در خلال وقوع آتش‌سوزی در محل معدوم و نسخه مربوط به ایشان نیز مفقود گردیده است در ادامه متهم مدعی است بر اساس قرارداد مذکور نام‌برده مکلف به تهیه زمین و اسکلت گلخانه و پرداخت نیمی از هزینه‌های مربوط به فرایند کاشت داشت و برداشت و نیم دیگر بر عهده م.ج. بوده است در قسمتی از گلخانه و با مصالح نامتعارف شامل چوب و پلاستیک دو اتاق سه در چهار احداث که با تجهیز آن به وسایل اسکان شامل پخت و پز و گرمایش، مورد استفاده مقتول به هویت مرحوم م.ج. قرار می‌گیرد متهم مدعی است مستحذات مذکور توسط شریک سابق

ایشان احداث و بدون تأخیر در اختیار مرحوم م.ج. قرار گرفته است در روز پیش از وقوع حادثه آقای م.ج. به اتفاق برادرش در مزرعه مشغول به کار بوده است و پس از اتمام کار برادر ایشان به ... محل سکونت خواهر خود عزیمت می‌نماید در همین روز و در ساعات ابتدایی شب و پس از اتمام کار روزانه با اضافه شدن چهار نفر از دوستان و نزدیکان مرحوم م.ج. به اتاقک موصوف هر ۵ نفر به استراحت می‌پردازند در ساعات آغازین بامداد روز بعد و در زمان خواب و استراحت به دلیل متصاعد شدن گاز مونوکسید کربن ناشی از سوختن زغال غلیان و یا کن سوزی موکت در اثر افتادن وسیله گرمایشی هیتر برقی متأسفانه هر پنج نفر در حالت اغماء و بیهوشی قرار گرفته و عملاً توان هیچ گونه واکنش و گریز از محل را نداشته و در ادامه با توسعه دامنه آتش سوزی به مواد موجود در اتاق موصوف شامل پلاستیک، روزنامه، کارتون‌های زیر موکت و دیگر مواد سوختنی محل، به کلی دچار حریق و در نهایت سرایت آتش به لوله یا شیلنگ پلاستیکی انتقال گازوئیل دامنه آتش به شکل گسترده‌ای افزایش و در نهایت منجر به سوختگی تمامی افراد ساکن در محل در حالت خواب و فوت آنان گردیده است. وکیل اولیاءدم در مقام طرح شکایت و در لوائح متعدد تقدیمی مفاداً اظهار داشته‌اند به دلیل وقوع تقصیر از ناحیه متهم تقاضای تعقیب کیفری و تعیین مجازات قانونی و دریافت دیه متوفیان را داشته است و در مقابل وکیل متهم با تأکید بر تحقق عقد مزارعه میان متهم و مقتول و استقرار تکالیف زراعتی بر عهده مقتول و همچنین عدم اذن متهم به اسکان موقت مقتول در اتاقک مورد نظر و عدم ضرورت حضور عامل در محل استقرار اراضی و استناد به مبانی عرفی در موضوع که تقصیری را متوجه متهم نخواهد کرد. متقاضی برائت موکل خود می‌باشند و همچنین با عنایت در جمیع اوراق و محتویات پرونده، از قبیل شکایت وکیل شکات (مشمول بر اولیاءدم مرحوم م.ج.)، گواهی پزشکی قانونی در تعیین علت تامه فوت که بیانگر رابطه انتساب (سببیت) میان رفتار جنایی و سلب حیات (نتیجه مجرمانه) دارد، اظهارات مطلعین در شرح وقایع مقدم و مقرون به این واقعه جنایی، نظریه کارشناس بدوی، هیأت سه، پنج، و هفت عضوی کارشناسان رسمی دادگستری که فارغ از برخی تفاوت‌های غیر معیاری، در قدر مشترک خود حکایت از وقوع تقصیر و انتساب آن به متهم و مداخله اسبابی متهم به میزان مذکور در نظریات کارشناسی و مندرج در کیفرخواست دارد. تصاویر موجود در پرونده و گزارش ضابطان دادگستری و سایر قرائن و امارات موجود، جملگی در هماهنگی و مطابقت با یکدیگر، در حدود مواد ۲۱۱ و ۲۱۲ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، منتهی به حصول علم قضایی برای اینجانب به عنوان دادرس قضایی دادگاه در خصوص بزهکار

بودن متهم نموده است و دفاعیات وکیل محترم متهم نیز مانع از انتساب این جرم به متهم نگردید، چراکه اصرار بر وجود عقد مزارعه یا هر توافق دیگر که در چهارچوب هر یک از عقود معین قانونی منجر به مشارکت طرفین گردد، متغیر مؤثری در نفی ارکان جرایم علیه تمامیت جسمانی نمی‌باشد، و با فرض وجود و انعقاد چنین عقدی نیز ماهیت تسبیبی جنایت به قوت خود باقی است چراکه مفهومی تحت عنوان حقوق کیفری قراردادی که قواعد آن به تبع اعمال و عقود قانونی دچار استحاله و تغییر ذاتی شود، در مغایرت با ماهیت عمومی و امره حقوق کیفری بوده و در نظام حقوقی کشور به رسمیت شناخته نشده است. حقوق کیفری به اقتضای ذات خود، جز در موارد منصوص و محصور قانونی، از حیث انطباق و اجرا، مستقل از قواعد حقوقی حاکم بر تعاملات مدنی اشخاص است، از طرفی اشاره وکیل متهم به عدم توجه تقصیر به متهم محل اشکال است و مداخله اشتراکی مقتول و متهم در تکوین اسباب مؤثر و متعدد به نحوی که در نظریات کارشناسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، به جهت عرفی و قانونی و تکالیفی که با احراز موقعیت متهم به عنوان کارفرما بر عهده ایشان قرار گرفته است محرز می‌باشد، بنابراین و در مجموع متهم را بزهکار تشخیص و در مقام پاسخ به جرم ارتكابی، مشارالیه را از حیث جنبه خصوصی جرم، مستنداً به مواد ۱۷، ۴۴۸، ۴۴۹، بند ب ۷۱۵، ۷۱۴، ۷۱۰، ۷۰۹، ۴۸۸ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تناسب تقصیر به پرداخت پنجاه درصد دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیاء دم مقتول محکوم می‌نماید. مهلت پرداخت دیه ظرف دو سال قمری از تاریخ وقوع جرم و صدمه می‌باشد که هر سال می‌بایست نصف دیات مقرر پرداخت گردد و از حیث جنبه عمومی جرم با استناد به ماده ۶۱۶ از قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با رعایت محدودیت در نوسان‌پذیری کیفر به تحمل یک سال حبس محکوم می‌نماید. لیکن با احراز بندهای پ و ث از ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، از حیث مداخله ناقص متهم در وقوع جرم و توجه بخش قابل توجهی از تقصیر به عملکرد شخص مقتول، فقدان سابقه مؤثر کیفری و انگیزه شرافتمندانه در متهم به دلیل واگذاری اتافک مورد نظر به مقتول از باب احسان و کاهش هزینه‌های مربوط به تهیه منزل مسکونی وی و سهولت در تردد به محل کار برای مقتول، به نظر دادگاه متهم، استحقاق و شایستگی برخورداری از ارفاق قانونی را خواهد داشت، از طرفی با تأکید بر ماهیت غیرعمدی بزه ارتكابی و فقدان سابقه مؤثر کیفری و اوضاع و احوال مؤثر در بروز این رخداد ناگوار و ارزیابی بالینی متهم توسط دادگاه و توجه به متأهل و اشتغال مقطعی وی به امر زراعت، بر اساس داده‌های علوم جرم‌شناختی، کیفرشناختی و پاسخ به جرم و به طور مشخص

جرم‌شناسی بالینی، نامبرده فاقد حالت خطرناک است و اصرار به اجرای مجازات حبس این قبیل مجرمان، نه تنها در چهارچوب رویکرد اصلاح و بازپروری قرار ندارد، بلکه با اهداف سنتی و کلاسیک و چه بسا متروک نظام عدالت کیفری، مانند سزادهی و بازدارندگی نیز مغایرت بنیادین خواهد داشت، لذا با توجه به ضرورت توجیه علمی مجازات و تشخیص مجازات مناسب برای بزهکار، و در اجرای منویات مقام معظم رهبری و ریاست محترم قوه قضاییه در اجرای سیاست جنایی قضایی حبس‌زدا، با استناد به مواد ۶۴، ۶۸، ۸۶، ۷۰ و ۸۳ از قانون مجازات اسلامی، مجازات حبس را به جایگزین‌های زیر تبدیل می‌نماید: ۱- پرداخت یکصد میلیون ریال جزای نقدی ۲- محکوم مکلف است ظرف حداکثر دو سال در یکی از دوره‌های معتبر حرفه‌آموزی مرتبط با فعالیت منتهی به وقوع جرم ایشان (گلخانه‌داری) که توسط یکی از مراکز دارای مجوز اعم از عمومی، دولتی و یا خصوصی برگزار می‌شود شرکت و در پایان گواهی مربوطه را اخذ نماید. سپس یافته‌های خود را با تأکید بر بخش اصول ایمنی فعالیت در گلخانه‌ها و ضمانت اجرای مدنی و کیفری و عواقب بی‌توجهی به آن در حداقل دو صفحه در الگوی مرسوم آ چهار تایپ و در صد نسخه چاپ و با توجه به الگوی رایج کشت گلخانه‌ای در شهرستان مبارکه، در میان متصدیان توزیع نمایند تا از این طریق، مخاطبین با دریافت آموزش لازم و التفات به تبعات قانونی برخی رفتارهای رایج که به زعم خود مغایرتی با قانون ندارند، توجیه و ارشاد و در نهایت اصلاح شود. ارزیابی اجرای صحیح این بند از طریق ارایه گواهی پایان دوره در بخش اول و تأیید توزیع نکات آموزشی توسط جهاد کشاورزی و دهیاران و ضابطان دادگستری باشد. در صورت امتناع از پرداخت جزای نقدی در مرتبه اول از یک چهارم تا یک دوم به میزان آن افزوده خواهد شد و در صورت تکرار مجازات حبس اولیه اجرا می‌شود رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان اصفهان خواهد بود. در خصوص اعتراض وکیل شکات نسبت به بخشی از قرار منع تعقیب (فاقد شماره در پرونده) که در خصوص اتهام متهم فوق مبنی بر تقصیر منتهی به قتل شبه عمدی مرحومین: ۱- ذ.الف. ۲- ح.ج. ۳- م.ج. ۴- ع.ج. از سوی شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان مبارکه صادر گردیده است، ضمن بررسی و ملاحظه اوراق و محتویات پرونده و مد نظر قرار دادن لایحه تقدیمی شاکی و ضمائم پیوست آن، دلیل یا مدرکی که فسخ قرار صادره را ایجاب نماید مشاهده نمی‌شود، تحقیقات قضایی انجام شده نیز نسبتاً کامل و نقص مؤثری که خدشه بر قرار صادره تلقی گردد وجود ندارد، و ضوابط معیاری

مذکور در مواد ۵۰۸ و ۵۲۳ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از جمله عدم صدور اذن جهت استقرار و اسکان موقت یا دائم متوفیان (غیر از مقتول به هویت مرحوم م.ج.) در اتاقک مستحدثه، در مطابقت با قرار منع تعقیب صادره قرار دارد و مداخله مؤلفه‌ها و متغیرهای متعددی که در این مواد و در نظریه کارشناسی نیز به آن‌ها اشاره گردیده است، به مثابه حائل و حاجب عمل نموده و مانع از انتساب مستقیم نتیجه به رفتار تسبیبی متهم می‌گردد، بنابراین ضمن رد اعتراض شاکی، در اجرای ماده ۲۷۳ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار صادره را عیناً تأیید می‌نماید. رأی صادره در این قسمت قطعی است.

رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهر مبارکه (۱۰۲ جزایی سابق) حسین

نورمحمدی

۲- «رای صادره از شعبه ۱۰۱ کیفری دو شهرستان دهاقان»

شکات: ۱. آقای م.الف. فرزند ل. ۲. آقای م.ع. فرزند ن. ۳. آقای م.م. فرزند م. ۴. خانم الف.م. فرزند م.

متهم: آقای ح.الف. فرزند گ. با وکالت آقای م.الف. فرزند م. به نشانی استان ... و آقای م.ث. فرزند ه. به نشانی استان ...

اتهام‌ها: ۱. سلب آزادی شخصی افراد ملت یا محروم کردن آن‌ها از حقوق مقرر در قانون اساسی توسط مقامات و مأمورین دولتی ۲. امتناع از انجام وظیفه ۳. صدور تصدیق‌نامه برخلاف واقع ۴. دریافت وجه اضافه و مازاد بر حق قانونی شهرداری ۵. اعتراض به قرار منع تعقیب.

گردشکار: به دلالت محتویات پرونده آقای م.م. فرزند م. در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ شکایتی دایر بر سوء استفاده از موقعیت شغلی علیه آقای ح.الف. فرزند گ. مطرح و در شرح شکوائیه اظهار می‌دارد احتراماً به استحضار می‌رساند اینجانب م.م. فرزند م. به کد ملی ... ساکن شهر ... می‌باشد که دارای یک واحد گلخانه در حال تولید بوده و در سال ۱۳۹۹ جهت احداث دیوار و ساختمان گلخانه به شهرداری مراجعه که با اخذ هزینه‌های پروانه مجوز احداث ساختمان را صادر و اعلام نمودند که مجوز دیوار متعاقباً آماده و تقدیم می‌گردد که متأسفانه با وصف دریافت هزینه از تحویل مجوز لازم امتناع می‌نمایند. دوماً اینجانب مالک یک قطعه باغ در حریم شهر ... بوده که در جهت پرداخت دیون به افراد حقیقی و حقوقی و راه اندازی و تولید گلخانه و پرداخت هزینه‌های آن اقدام به فروش نموده که نامبرده به عنوان شهردار و اعضای شورای شهر با اعلام اینکه محل باغ در طرح شهرداری با عنوان ... می‌باشد از فروش آن جلوگیری نمود و به بهانه خرید توسط شهرداری شروع به ایجاد مانع در فروش نمودند و تمامی خریداران را که جهت استعمال به آن مرجع مراجعه می‌کردند تهدید و از خرید ملک توسط آنان جلوگیری به عمل می‌آوردند. در این راستا مراجعات زیادی به استانداری، فرمانداری و مراکز ذیصلاح دیگر نمودم که متأسفانه پاسخ درستی دریافت ننمودم و شهردار نیز در هر مرحله مراجعه تقاضای وجه جهت تفکیک و ... می‌نمود که پس از یک سال و اندی تلاش و مراجعه و پیگیری شهردار به صورت کاملاً شبه برانگیز برای فرار از قانون اقدام به صدور کلیه مجوزات از قبیل پروانه دیوارکشی ترمیم دیوار و حتی احداث گلخانه بدون دریافت حق تفکیک و با دریافت عوارض شهرداری نموده و تحویل داد که این عمل با تمام دفاعیات ایشان و مکاتبات نامبرده با مراجع بالاتر و دادستان محترم وقت در شهرستان دهاقان در گذشته مغایر بوده و از طرفی

نیز الان با وجود دریافت کلیه عوارض و صدور کلیه مجوزات مشتریانی که جهت استعلام و خرید باغ به آن مرجع مراجعه می‌نمایند نامبرده با ارائه مطالب واهی همچون در طرح بودن و... مانع فروش می‌گردد که عمل نامبرده باعث ایراد خسارات چندین میلیارد تومانی ناشی از عدم تأمین اعتبار در جهت تولید گلخانه و پرداخت دیون به افراد حقیقی و حقوقی شده و به اعتبار و آبروی اینجانبان نیز خدشه وارد نموده است. لذا تقاضای رسیدگی دارم در ضمن دادرسی در تغییر عنوان اتهامی وفق نص قانون آیین دادرسی کیفری مجاز می‌باشد تا توجه به مطالب فوق در راستای ایفای حقوق اینجانب و دفاع از حقوق عامه عنوان اتهامی را تغییر و به نامبرده تفهیم نماید پس از ارجاع شکوائیه به شعبه دادرسی دادرسی عمومی و انقلاب دهقان اظهارات شاکی پیرامون موضوع شکایت اخذ و مدارک ارائه شده ضمیمه پرونده می‌گردد متعاقباً در ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ جلسه مواجهه حضوری در معیت شاکی و متشاکی و وکیل وی برگزار می‌گردد که محتویات آن به این شرح است شاکی اظهار می‌دارد اظهارات من به شرح سابق است. وکیل شهردار اظهار می‌دارد دفاعیات را من بیان می‌کنم: در مورد گلخانه، زمان صدور پروانه برای گلخانه شاکی بر اساس قوانین پروانه خود را گرفته است. لکن در حال حاضر به استناد نامه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱ (مندرج در برگ ۴۰) به لحاظ مخالفت اداره شهرسازی امکان احداث دیوار دور گلخانه وجود ندارد و در صورت موافقت اداره راه مشکلی از سوی شهرداری وجود ندارد. همچنین آقای ح.الف. اظهار می‌دارد در زمان صدور مجوز پروانه گلخانه آقای ح.ر. شهردار بوده و من در واحد شهرسازی بودم. شاکی نیز مستنداً به برگ ۲۶ و برگ ۴۰ اظهار می‌دارد مشکلی عنه در صدور پروانه تأثیر داشته و در حال حاضر بابت پول پرداخت شده به دلیل این که برای پروانه بوده شکایت ندارم ولی پروانه دیوارکشی می‌خواهم ولی حسب اعلام دفتر فنی فرمانداری و اداره جهاد دیوارکشی نیاز به پروانه جداگانه دارد همچنین آقای ح.الف. اظهار می‌دارد حسب قانون پروانه ساخت گلخانه در بردارنده پروانه دیوارکشی هم می‌باشد. همچنین در مورد تقاضای رسید پرداخت وجه شهرداری قبلاً رسید تحویل داده است و برگ حاوی ارائه رسید به شاکی را ارائه خواهیم کرد. در مورد شکایت شاکی در مورد باغ، آقای ح.الف. اظهار می‌دارند ۱- باغ شاکی دو بخش است که یک بخش آن در محدوده شهر قرار دارد و بخش دیگر در حریم شهر است مخالفت مندرج در برگ ۹ پرونده به لحاظ این بوده که برای دیوارکشی است ولی برای ترمیم دیوار مشکلی وجود ندارد. وضعیت سابق که بخشی از زمین متشاکی در محدوده شهر است پا بر جای باشد لکن به موجب قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح های دولتی قاعداً باید مجوز

ترمیم دیوار و اجرای فنس‌کشی بدون اجرای پی‌ریزی صادر شود. اظهار شاکی مبنی بر اینکه صدور پروانه برای املاک دارای سند ثبتی است، بلاوجه است. چرا که این محدودیت به موجب قانون صدور پروانه بوده و استاندارد هم به صورت مکتوب به ما ابلاغ کرده است. حسب ابلاغیه مسئولیت صدور پروانه برای املاک فاقد سند رسمی بر عهده شهرداری است. در ادامه شاکی اظهار می‌دارد وکیل متهم حسب لایحه مندرج در برگ ۱۶ قبلاً صدور مجوز برای ملک دارای سند عادی را ممنوع اعلام کرده است. در ادامه شهردار ... اعلام می‌دارد ایراد وارده در مورد لزوم کشت درخت ارتباطی به ما ندارد و در صلاحیت اداره جهاد کشاورزی است و مستند این ممنوعیت قانون رعایت حفظ اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۸۵ می‌باشد. (شاکی در این مورد به برگ ۱۸ پرونده اشاره می‌نماید) همچنین شهردار ... در ادامه اظهار می‌دارد مطابق ماده ۱۰۱ قانون شهرداری لازم است که در مجموع ۷/۴۳ درصد از زمین کسر گردد (با قیمت یا خود زمین) و بر اساس قانون باید اقدام شود. نسبت به ملک شاکی این اتفاق نیفتاده زیرا شاکی علی‌رغم مجوز ما اقدام ساخت و ساز خلاف و دیوارکشی نموده است. تصمیم‌گیری در این مورد بر عهده کمیسیون ماده ۱۰۰ است. در نهایت از سوی شهرداری برای باغ صرفاً مجوز برای ترمیم دیوار با مصالح موجود و اجرای فنس‌کشی بدون اجرای پی‌ریزی صادر شده است. متعاقباً خانم الف.م. فرزند م. در ۱۴۰۲/۰۴/۱۳ شکایت دیگری علیه متشاکی مزبور مطرح و در شرح آن اظهار می‌دارد به استحضار می‌رساند اینجانب الف.م. فرزند م. به کد ملی ... ساکن شهر ... می‌باشم که دارای یک واحد گلخانه در حال تولید بوده و در سال ۱۳۹۹ جهت احداث دیوار و ساختمان گلخانه به شهرداری مراجعه که با اخذ هزینه‌های پروانه مجوز احداث ساختمان را صادر و اعلام نمودند که مجوز دیوار متعاقباً آماده و تقدیم می‌گردد که متأسفانه با وصف دریافت هزینه از تحویل مجوز لازم امتناع می‌نمایند. لذا تقاضای رسیدگی دارم در ضمن دادسرا در تغییر عنوان اتهامی وفق نص قانون آیین دادرسی کیفری مجاز می‌باشد تا توجه به مطالب فوق در راستای ایفای حقوق اینجانب و دفاع از حقوق عامه عنوان اتهامی را تغییر و به نامبرده تفهیم نماید. در ادامه با تکمیل تحقیقات و وصول شکوائیه از ناحیه آقایان م.الف. فرزند ل. و م.ع. فرزند ن. و ارجاع امر به کارشناسی پس از تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین کیفری پرونده با صدور قرار نهایی و کیفرخواست به این دادگاه ارسال می‌گردد و دادگاه با تشکیل جلسه رسیدگی و استماع اظهارات و دفاعیات طرفین ضمن اعلام ختم دادرسی به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای ح.الف. فرزند گ. با وکالت آقایان م.ث. و م.الف. متولد ۱۳۶۳/۰۶/۲۹ کد ملی ... شماره شناسنامه ... تبعه ایران و متأهل فاقد سابقه محکومیت کیفری شغل کارمند مقیم ... دایر بر امتناع از انجام دستور مقام قضایی از طریق صدور مجوز برای ملک دارای سند عادی دادگاه از توجه به محتویات پرونده شامل شکایت شکات خصوصی آقای م.م. و خانم الف.م. فرزندان م. و اظهارات و دفاعیات طرفین در مراحل تحقیق و دادرسی و لوایح دفاعی ایشان نظر به اینکه با وصف صدور رأی وحدت رویه شماره ۱۶۴۷ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۷ از ناحیه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و ابلاغ به دستگاه‌های مشمول از جمله شهرداری و شوراهای اسلامی سراسر کشور و الزام به اجرای آن در موارد مشابه صدور پروانه برای املاک و اراضی قولنامه‌ای مغایر با قانون بوده و اجرای موردی و سلیقه‌ای آن نسبت به شاکی که در مکاتبه شماره ۳۸۶۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۱ شهردار ... آقای ح.الف. منعکس است و در عین حال نادیده گرفتن این امر در سایر موارد مشابه قابل توجیه نبوده و موجب سلب اعتماد شهروندان از دستگاه‌های ارائه کننده خدمات و نهادهای حاکمیتی می‌گردد به نحوی که در مکاتبه شماره ۳۷۵۹۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۶ معاونت توسعه مدیریت و منابع سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور مجدداً این امر مورد تأیید قرار گرفته و وجود مسئولیت قانونی در خصوص عدم رعایت مقرر مذکور متذکر گردیده است و دفاعیات متهم به عنوان شهردار شهر ... و وکلای ایشان طی صورتجلسات دادرسی و لوایح دفاعی ارسالی در مرحله رسیدگی دادگاه از نظر دادگاه مؤثر در مقام نبوده و ارکان مادی و معنوی بزه معنونه محقق گردیده لذا بنا به جمیع جهات یاد شده ضمن احراز بزهکاری مشارالیه مستنداً به مواد ۱۸، ۱۹، ۱۴۴ و ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۷۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ حکم بر محکومیت متهم به انفصال از خدمات دولتی به مدت یک سال صادر و اعلام می‌گردد النهایه نظر به فقدان سابقه کیفری مشارالیه و بنا به تجویز مواد ۴۶، ۵۲ و ۵۴ قانون مجازات اسلامی قرار تعلیق اجرای مجازات متهم به مدت دو سال صادر و اعلام و متذکر می‌گردد چنانچه در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرایم عملی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می‌گردد و در خصوص اتهامات دیگر مشارالیه دایر بر ۱- صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع از طریق اعلام استحقاق شهرداری ... نسبت به ۷/۴۳ درصد از باغ شاکی آقای م.م. جهت حق تفکیک ۲- محروم نمودن شاکی آقای م.م. از حقوق مقرر در قانون اساسی (اصل ۲۰) از طریق منوط نمودن

تقاضای ارباب رجوع به صدور دادنامه دیوان عدالت اداری علی رغم صدور رأی قطعی در کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و عدم ارائه هرگونه رسید تسلیم دادخواست و منوط کردن تقاضای مراجع به تعیین تکلیف پرونده کیفری جاری ۳- دریافت وجه اضافه و مازاد بر حق قانونی شهرداری از طریق دریافت عوارض صدور مجوز دیوارکشی گلخانه و عدم صدور مجوز احصار به ارزش ۱۲/۵۴۱/۰۰۰ ریال با عنایت به محتویات پرونده توجهاً به اینکه اولاً مکاتبه شماره ۱۸۲۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۵ شهرداری ... با شاکی آقای م.م. که متضمن لزوم در نظر گرفتن قدرالسهم شهرداری به میزان ۷/۴۳ درصد باغ می‌باشد مصداق گواهی یا تصدیق‌نامه نبوده که در فرض خلاف بودن مندرجات آن جرم موضوع ماده ۵۴۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ تحقق یابد و ثانیاً با توجه به مفتوح بودن پرونده تخلف ملکی به نام شاکی آقای م.م. در دیوان عدالت اداری حسب اعتراض شهرداری ... به رأی صادره از کمیسیون تجدیدنظر موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و لزوم احراز علم و عمد مرتکب در سلب حقوق شناخته شده افراد جامعه در قانون اساسی از نظر دادگاه اقدام انتسابی به متهم فاقد وصف جزایی بوده و ثالثاً در خصوص دریافت وجه اضافه با عنایت به اینکه انجام فعل مزبور به تصور حقانیت شهرداری نسبت به دریافت وجه بوده و اختلاف در تفسیر از مقررات راجع به دریافت مبلغ از متقاضیان به منزله‌ی ارتکاب جرم نبوده و عنصر روانی بزه مذکور مخدوش است و لذا مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۱۲۰ و ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی رأی بر برائت صادر و اعلام می‌گردد رأی صادره در کلیه قسمت‌ها حضوری ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه محترم تجدیدنظر استان اصفهان می‌باشد و در خصوص اعتراض آقایان م.ع. فرزندان. و م.الف. فرزندان. نسبت به قرار منع تعقیب شماره ۶۹۰۳-۱۴۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ صادر از شعبه دادرسی عمومی و انقلاب دهقان از توجه به محتویات پرونده با عنایت به اینکه استدلال دادرسی محترم در صدور قرار معترض‌عنه مواجهه با ایراد و خدشه‌ای نبوده و موجبی جهت پذیرش اعتراض و یا تکمیل تحقیقات وجود ندارد لذا مستنداً به مواد ۲۷۰ و ۲۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ضمن رد اعتراض قرار صادره عیناً تأیید و استوار می‌گردد. رأی دادگاه قطعی است.

رئیس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو دهقان

احمد جابر الانصار

۳- «رأی صادره از شعبه ۲ دادگاه انقلاب اصفهان»

متهم: آقای گ.م. فرزند الف. با وکالت آقای د.گ. فرزند ن.
 اتهام: نگهداری ۱۶ کیلو و ۲۶۶ گرم شیشه به صورت آبکاری و ۳۷۵ گرم تریاک
 دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده با استعانت از خداوند متعال ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل اقدام به اصدار رأی می‌نماید:

رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای گ.م. فرزند الف. متولد ۱۳۶۰ شغل آزاد تبعه ... مذهب سنی، متأهل، محل اقامت اصفهان، فاقد سابقه محکومیت کیفری بازداشت با قرار بازداشت موقت از تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۶ با وکالت تسخیری آقای د.گ. دایر بر «نگهداری ۱۶ کیلو و ۲۶۶ گرم شیشه به صورت آبکاری و ۳۷۵ گرم تریاک» بدین توضیح که: حسب گزارش پلیس مبارزه با مواد مخدر استان اصفهان در پی دریافت خبر واصله مبنی بر اینکه شخصی ... ساکن ... در امر توزیع مواد مخدر روان‌گردان دارای فعالیت گسترده می‌باشد موضوع در دستور کار پلیس و متهم به هویت گ.م. فرزند الف. فعالیت وی تحت رصد اطلاعاتی قرار گرفته و مشخص گردیده که نامبرده با قاچاقچیان کشور افغانستان و استان‌های کشور در ارتباط است و در بررسی‌های صورت گرفته معلوم گردید شگرد تحویل مواد روان‌گردان به وی در اصفهان بدین صورت است که ماده روان‌گردان شیشه را به صورت محلول رقیق شده داخل طناب‌ها نخی و گیاهان دارویی نفوذ داده تا مانع شک و شبهه مأمورین گردد و در پوشش داروهای گیاهی توسط شرکت‌های باربری‌های در ترمینال‌های مسافربری ارسال می‌گردد و پس از فرایند جداسازی توزیع می‌گردد در این راستا در تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۵ مشخص گردید که محموله‌ای به شگرد فوق برای متهم مذکور ارسال و متهم قصد دارد مواد مخدر را در انبار ترمینال کاوه تحویل بگیرد که مأمورین پس از هماهنگی با مقام قضایی با پوشش انبارداری به محل مورد نظر در ترمینال کاوه اعزام و از طریق رسیدهای باربری دو عدد گونی سفید رنگ متعلق به متهم شناسایی و مورد بازرسی قرار گرفته و با بررسی دقیق و استفاده از ذره‌بین مشاهده شد در تمام سطوح طناب و گیاهان درخشنده‌گی حاصل از بلورهای مواد مخدر از نوع شیشه به چشم می‌آید و با توجه به همکاری انباردار ترمینال که از وجود مواد مخدر بی‌اطلاع بود با شماره تلفن تحویل گیرنده به شماره ... تماس حاصل و اعلام گردید بار شما از کرمان رسید و بیا تحویل بگیرید که

تحويل گیرنده اعلام نمود بفرستید با پیک ... و من روبروی بانک صادرات ... تحويل می‌گیرم لذا احدی از مأمورین به عنوان پیک به محل اعزام و سایر مأمورین نیز به صورت نامحسوس در محل وعده حضور یافته که طی چندین نوبت تماس توسط مأمور در نقش پیک متهم با خودرو پژو پارس سفید رنگ به شماره ... در محل حاضر و کنار سوپر مارکت روبروی بانک صادرات هر دو گونی را تحويل گرفته و به سمت پژو پارس خود حرکت کرد که توسط مأمورین محاصره و دستگیر گردید که متهم از حضور مأمورین شوکه شده بود دستبند شد و به همراه دو گونی (یک گونی حاوی طناب به وزن ۱۱ کیلو و ۸۰۰ گرم و یک گونی حاوی گیاهان دارویی به وزن ۱۱ کیلو و ۷۰۰ گرم) به مقر پلیس دلالت و ابتدا منزل متهم مورد بازرسی گردید و از اتاق خواب متهم میزان ۱۷۵ گرم تریاک و از داخل ایوان منزل یک گونی گیاه ناشناخته عیناً شبیه گیاهان حاوی شیشه مکشوفه از انبار ترمینال به وزن حدود ۲۳ کیلوگرم کشف و ضبط گردید حسب تحقیقات به عمل آمده از ناحیه پلیس مبارزه با مواد مخدر متهم گ.م. فرزند الف. تحت رصد اطلاعاتی پلیس بوده است و با علم و اطلاع کامل اقدام به ارتکاب بزه نموده است و گوشی متهم حاوی پیامک‌هایی است که از وی درخواست خرید مواد مخدر را داشته‌اند و حتی در گوشی رو متهم روی صندلی تصویر یک بسته سفید رنگ بلوری (شیشه) قرار داشته که متهم اظهار داشته از فردی به نام ل. تحويل گرفته است و سپس به شخص دیگری تحويل داده است در یادداشت‌های متهم در دفتر شخصی خود مواردی از اسید و اسیتون ذکر گردید که این مواد جهت ساخت یا جداسازی شیشه مورد استفاده قرار می‌گیرد که متهم نیز به آن اقرار نموده است متهم مذکور دارای دو حساب شخصی در بانک‌های سپه و صادرات است و به گفته متهم مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان در یکی از حساب‌های وجه نقد دارند و همچنین شش دانگ زمین کشاورزی دارای آب در صحرا تبع دانی دارد که به صورت صوری زمین را به نام ع.ب. فروخته است متهم به این موضوع نیز اقرار نموده است و خودرو پژو پارس در ید متهم توسط خود وی خریداری و در مالکیت واقعی متهم می‌باشد و با توجه به تصاویر رسیدهای داخل گوشی متهم و اطلاعات پلیس نامبرده در تاریخ‌های ۱۴۰۱/۰۹/۱۲ و ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ و ۱۴۰۱/۱۱/۲۱ و ۱۴۰۱/۱۲/۲۹ و ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ و ۱۴۰۲/۰۱/۰۸ و ۱۴۰۲/۰۱/۰۹ و ۱۴۰۲/۰۱/۱۱ و ۱۴۰۲/۰۱/۲۵ این اقدام به تحويل گرفتن محموله‌هایی به سبک فوق از انبارهای ترمینال مسافربری نموده است از متهم گ.م. تحقیق اظهار داشته است تریاک‌ها برای مصرف خود می‌باشد و معتاد به تریاک هستم اما طناب‌ها و گیاه‌هایی که حاوی شیشه است را فکر کنم چهار مرتبه رفتم و از ترمینال کاوه تحويل گرفتم و آوردم

و مقادیری از آن‌ها در خانه بود و مقادیری هم امروز آمد که خواستم تحویل بگیرم که دستگیر شدم و این‌ها را شخصی به نام ل.الف. احتمالاً فامیل وی الف. است برایم ارسال کرده است و مواد را ل.الف. که ساکن افغانستان است زنگ می‌زند و می‌گوید برو تحویل بگیر خودم هم نفهمیدم که این چه گیاهی است او فردی افغانی است به ایران می‌آمد و من هم با او آشنا شدم و خودرو پارس را به مبلغ ۳۷۵ میلیون تومان خریدم، مواد مکشوفه پس از تحویل به آزمایشگاه و جداسازی و تعیین نوع و مقدار مواد مخدر مکشوفه اقدام گردیده است (ص ۶۸) محموله مکشوفه توسط آزمایشگاه مورد آزمایش قرار گرفته که مقدار ۱۶/۲۶۶ کیلوگرم متامفتامین (شیشه) استحصال گردیده است طی تحقیق و بررسی صورت گرفته و اطلاعات موجود متهم گ.م. در امر توزیع مواد مخدر فعال بوده و به افراد مورد اعتماد خود مواد مخدر می‌فروخته است چنانچه در بررسی گوشی‌های متهم نیز کاملاً محرز است و پرینت مکالمات متهم حاکی از آن است که وی از طریق واتس‌آپ اقدام به ارتباط‌گیری با ل.الف. و ن.گ. می‌نموده است متهم در آخرین دفاع نزد بازپرس نیز اظهار داشته من تریاک را قبول دارم ولی از مواد مخدر داخل گیاهان اطلاعی نداشتم ضمناً متهم دارای پرونده شخصیت و هیچ گونه اختلال روان پزشکی نداشته و سابقه‌ای به جز اعتیاد به مواد مخدر ندارد در نهایت پرونده با صدور قرار جلب به دادرسی و صدور کیفرخواست به این شعبه ارجاع گردیده است که این دادگاه با توجه به گزارش پلیس مواد مخدر استان اصفهان، صورت جلسه مورخه ۱۴۰۲/۰۱/۲۵ مبنی بر کشف مواد شیشه از گیاهان خشک شده و طناب‌ها و کشف تریاک مکشوفه در تصرف متهم، برگ توزین مواد، نتیجه آزمایش مواد و جداسازی مواد آبکاری شده، کشف دفترچه مربوط به حساب و کتاب راجع به فروش مواد و تصویر پیامک‌های گوشی متهم (ص ۱۷ الی ۲۰ پرونده)، اظهارات مأمور کاشف، اقرار متهم به تحویل گرفتن شیشه‌های ارسالی، گزارش مالی حساب متهم، اقرار صریح متهم در خصوص مواد تریاک و انکار غیر مؤثر متهم در خصوص مواد شیشه و دفاعیات غیر مؤثر متهم و وکیل مدافع وی در خصوص عدم اطلاع از آغشته بودن طناب‌ها و گیاهان خشک شده به مواد شیشه و اینکه متهم مذکور تحت رصد اطلاعاتی پلیس مبارزه با مواد مخدر استان بوده و با علم و اطلاع اقدام به ارتکاب جرم نموده است و سایر قرائن و امارات موجود بزه منتسب به وی را محرز و مسلم تشخیص داده و مستنداً به مواد ۲۱۱ و ۱۶۰ و مواد ۵ و ۸ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و بند ت ماده ۴۵ الحاقی ۱۳۹۶/۰۷/۱۲ (قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر) متهم نامبرده را با احراز شرایط ماده اخیر الذکر در حکم مفسد فی الارض شناخته و به مجازات

«اعدام» به علت نگهداری مواد شیشه و چهل میلیون ریال و ۲۰ ضربه شلاق به علت نگهداری تریاک با رعایت ماده ۱۳۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی محکوم می‌نماید و در خصوص قطعه زمین توقیف شده (۱۰۰۰ مترمربع زمین کشاورزی که به صورت باغ می‌باشد) متهم وفق قولنامه صوری پیوست در پرونده و همچنین خودرو به شماره انتظامی ... متعلق به متهم و وجوه توقیفی در حساب متهم با توجه به اینکه اموال ناشی از مواد مخدر روان گردان محسوب می‌گردد به نفع دولت ضبط شوند و در اجرای ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی مواد مکشوفه چنانچه قابل مصرف باشد به نفع دولت ضبط و در غیر این صورت معدوم می‌گردد گواهی‌های متهم با توجه به اینکه وسیله ارتکاب جرم محسوب می‌گردد به نفع دولت ضبط می‌گردد و سایر اموال مکشوفه به مالکش مسترد می‌گردد و با توجه به اینکه متهم فاقد محکومیت کیفری می‌باشد و در اجرای ماده ۳۸ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر جهت پیشنهاد یک درجه تخفیف به کمیسیون عفو ارسال می‌گردد. رأی صادر شده حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد.

مستشار شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی مرکز استان اصفهان

فیروز روانمهر - غلامحسین ابراهیمی